



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



چهل گام

تاعتیبات

احادیث و رنگانی چند، و بزره عتبات

جعفر اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهل گام تا عتبات: احادیث و نکاتی چند ویژه عتبات

نویسنده:

جعفر اسلامی فر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	چهل گام تا عتبات: احادیث و نکاتی چند ویژه عتبات
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۸	اشاره
۱۰	هوس کربلا
۱۲	اهمیت تبلیغ
۱۵	توسل به اهل بیت (ع)
۱۶	بخش اول: نجف اشرف
۱۶	اشاره
۱۸	شمه‌ای از فضائل علی (ع)
۲۳	زیارت امیرالمؤمنین (ع)
۲۵	محل دفن حضرت علی (ع)
۲۷	زیارت نوح و ابراهیم (ع)
۳۰	استجاب دعا در حرم علی (ع)
۳۳	زیارت قبور علما در حرم حضرت علی (ع)
۳۴	کمیل بن زیاد
۳۸	میثم تمار
۴۴	بخش دوم: کوفه
۴۴	اشاره
۴۵	شهر کوفه
۴۸	زید بن علی بن الحسین (ع)
۵۰	مسجد کوفه

۵۳	مسلم بن عقیل
۵۹	مختار ثقفی
۶۱	مسجد سهله
۶۵	بخش سوم: کربلای معلی
۶۵	اشاره
۶۶	دعای امام صادق (ع) به زوار امام حسین (ع)
۷۰	آثار زیارت امام حسین (ع)
۷۳	ویژگی‌های امام حسین (ع)
۷۶	گریه بر امام حسین و اهل بیت او (ع)
۷۸	تربت امام حسین (ع)
۸۰	آب فرات
۸۲	برداشتن کام فرزندان با آب فرات و تربت امام حسین (ع)
۸۴	زائران امام حسین (ع) کجایند؟
۸۶	حشر با ائمه (ع)
۸۹	میهمان بهشتیان
۹۱	حضرت عباس (ع) (عبد صالح)
۹۴	حضرت علی اکبر (ع)
۹۸	حضرت علی اصغر (ع)
۱۰۲	تلّ زینبیه
۱۰۶	قتلگاه
۱۰۹	خیمه‌گاه
۱۱۱	سدره المنتهی
۱۱۵	اصحاب امام حسین (ع)
۱۱۷	حبیب بن مظاهر

- ۱۱۹ حر بن یزید ریاحی
- ۱۲۲ بخش چهارم: کاظمین و سامرا
- ۱۲۲ اشاره
- ۱۲۴ زیارت امام کاظم (ع)
- ۱۲۷ سلمان فارسی (مدائن)
- ۱۳۰ برادر سلمان
- ۱۳۱ زیارت امام هادی و امام عسکری (ع)
- ۱۳۴ سرداب و محل غیبت امام عصر (عج)
- ۱۳۷ سید محمد (ع) محمد بن علی الهادی (ع) معروف به سید محمد
- ۱۴۰ بخش پنجم: پندها
- ۱۷۱ فهرست منابع
- ۱۷۴ درباره مرکز

چهل گام تا عتبات: احادیث و نکاتی چند ویژه عتبات

مشخصات کتاب

سرشناسه: امامی فر، جعفر، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: چهل گام تا عتبات: احادیث و نکاتی چند ویژه عتبات/جعفر اسلامی فر.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۱۴ ص ۱۲×۲۱ س.م.

شابک: ۶۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۷۷-۹:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق.

موضوع: زیارتنامه‌ها.

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴.

رده بندی کنگره: BP۲۶۳/الف ۴۸ چ ۹ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۲۱۴۸۸

ص: ۱

مقدمه

اشاره

سفر به عتبات مورد سفارش ائمه (ع) بوده و ثواب‌های زیادی بر آن مترتب است. در هر روز عاشقان فراوانی به آن سرزمین قدم گذاشته و از معنویت آن بهره‌ها می‌برند، کاروان‌های زائرین، به‌همراه روحانیون گرامی، با حضور در آن حرم‌های پر از نور، معنویتی وصف ناپذیر را در دل‌ها می‌گنجانند و لذتی ماندگار به ارمغان می‌آورند، و این فرصتی بی‌بدیل برای روحانیون و دلسوزان به مکتب اهل بیت (ع) است تا معارف آن بزرگواران را در قالبی زیبا و جذاب به عاشقان و شیفتگان ائمه (ع) برسانند. عزاداری، اشک، ناله،

ص: ۲

دعا، زیارت و یاد و خاطره مظلومیت ائمه اطهار(ع) در این سفر می‌تواند بهترین زمینه برای تعمیق اعتقادات و باورهای زائرین باشد. لذا بر آن شدیم تا با نگارش کتاب «چهل گام تا عتبات»، بعضی از احادیث خاص در موضوعات مختلف را در اختیار روحانیون محترم بگذاریم و هم موضوعاتی را به زائرین ارائه داده باشیم، تا به این وسیله، ضمن ساده‌تر کردن بیان مطالب، دریچه‌ای به روی عزیزان گشوده، تا با اطلاعات فراوان خود و بیان شیوا در بیان معارف اهل بیت(ع) موفق‌تر باشند.

در پایان هر قسمت، اشعار مختصری، درباره همان موضوع و در انتهای کتاب، غزلیات و پنندهای مفید، آورده شده، تا با استفاده بجا، به جذابیت سخنان، افزوده شود. امید است خداوند، بنده حقیر را از برکات و آثار خیر سفرهای معنوی مؤمنین بهره‌مند فرماید.

جعفر اسلامی فر

ص: ۳

هوس کربلا

هر که دارد هوس کربلا بسم الله هر که دارد سر همراهی ما بسم الله
گر که در سینه خود شوق زیارت داری رود این قافله تا کربلا بسم الله
هر که را میل سوی قبله عشاق بود می دهد عشق به آوای رسا بسم الله
ای که مشتاق گلستان حسینی شده‌ای همزه بوی گل و باد صبا بسم الله
کاروانی شده آماده ز عشاق حسین گر کنون پای طلب هست تورا بسم الله

ص: ۴

و عده دادیم که با هم سفر عشق رویم عازم کوی حسینیم بیا بسم الله
علقمه منتظر ماست چرا بنشستی سوی آن چشمه پر شرم و حیا بسم الله
گر که داری گهری مشتری هست حسین می خرد سوز دل و اشک تو را بسم الله
زیر آن قبه دعای تو اجابت دارد تا که نگذشته تو را وقت دعا بسم الله
ای وفایی تو اگر خیر دو دنیا طلبی چهره بگذار به خاک شهدا بسم الله

ص: ۵

اهمیت تبلیغ

اهمیت تبلیغ

قال رسول الله (ص): مَرَرْتُ فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ بِقَوْمٍ يُعْرَضُونَ أَشْفَاهَهُمْ بِالْمَقَارِيضِ. فَقُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ؟
قال: الْخُطَبَاءُ وَالْعُلَمَاءُ مِنْ أُمَّتِكَ الَّذِينَ يَقْدِرُونَ عَلَىٰ إِبْلَاجِ الْأَحْكَامِ وَالطَّاعَاتِ عَلَيَّ أُمَّتِكَ [و] سَامَحُوا.

حضرت رسول (ص) فرمود: در شب معراج دیدم قومی را که لب‌های آن‌ها را با قیچی می بریدند. از جبرئیل پرسیدم: اینان چه کسانی هستند؟

گفت: گویندگان و دانشمندان امت تو هستند که توانایی ابلاغ احکام و طاعات را به امت داشتند ولی سهل انگاری کردند. (۱)

ص: ۶

موضوع پیشنهادی

۱- وظیفه علمای دین در تبلیغ معارف

۲- نقش مؤمنین در ایجاد فضای معنوی در جامعه

۳- راه‌های تبلیغ دین (زبانی، عملی اصلاح رفتار فردی و ...)

یا رب نگاه لطف برین خاک و آب کن ما را به راه یاری دین کامیاب کن

یا رب به حق حجت غایب امام عصر ما را برای خدمت او انتخاب کن

حسان

ص: ۷

شنو این حدیث که از حیدر است سخن با بیان علی خوش تر است
 که در پنجمین جلد کافی چنین روایت بود ز آن امام مبین
 چو می گشتم اعزام سوی یمن بفرمود احمد در آن دم به من
 مبادا که شمشیر گیری به کف کنی جنگ با مردمان، بی هدف
 چو در هر زمان و مکان جنگ ما بود یاور دین و فرهنگ ما
 بجنگی که از حق حمایت کنی اگر یک نفر را هدایت کنی
 بود خیر تو برتر ای بو تراب ز آنچه بتابد بر آن آفتاب

«حسان»

گر که خواهی تو هم خیر خویش به قصد هدایت بگو شعر خویش

شب را تو به نور مه مزین کردی خندان لب گل به باغ و گلشن کردی
 چون قصه هر کسی معین کردی تنها غم عشق قسمت من کردی

حسان

ص: ۸

توسل به اهل بیت (ع)

توسل به اهل بیت (ع)

مسبب چون خدا باشد، سبب‌ها را تقبل کن مگو از خود که شرک است این، کمی آخر تأمل کن
موحد کی شود مشرک، اگر گیرد سبب‌ها را خدایت چون سبب سازد، تشکر زین تفضل کن
خدا تنها بود رازق، ولی خواهی اگر نانی بیفشان گندم و رنج زراعت را تحمل کن
شفا بخشت خدا باشد، ولی هنگام بیماری مداوای طبیبان را ز جان و دل تقبل کن
خدا ما را دهد حاجت ولی ای سائل مسکین عطای هل اتی بنگر، سؤال از رحمت کل کن
چو احمد فاش می گوید که «انی تارک فیکم» حسان بر عترت و قرآن به هر مشکل توسل کن

ص: ۹

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

بخش اول: نجف اشرف

اشاره

شمه‌ای از فضائل علی (ع)

زیارت امیرالمؤمنین علی (ع)

محل دفن حضرت علی (ع)

زیارت نوح و ابراهیم (ع)

استجاب دعا در حرم علی (ع)

زیارت قبور علما در حرم علی (ع)

کمیل بن زیاد

میثم تمار

ص: ۱۱

شماره‌ای از فضائل علی (ع)

شماره‌ای از فضائل علی (ع)

سلمان فارسی می‌گوید: در حضور پیامبر (ص) نشسته بودیم، مرد عربی بر ما وارد شد و سلام کرد، جواب دادیم، گفت: کدام یک از شما ماه تمام و چراغ تاریکی‌های محمد (ص) هستید؟ آیا آنکه مرد زیبا صورت است؟ گفتیم بلی.

پیامبر (ص) فرمود: ای برادر عرب بنشین، نشست و گفت:

ای محمد! قبل از این که شما را بینم به شما ایمان آوردم و پیش از آنکه شما را ملاقات کنم شما را راستگو دانستم، غیر از یک

ص: ۱۲

امری که به من ابلاغ شده!

پیغمبر اکرم فرمود: چه امری؟

گفت: ما را خواندی به پرستش خدا اجابت کردیم، ما را دعوت به رسالت خود کردی قبول کردیم، ما را به نماز، زکات و روزه و حج دعوت کردی اجابت کردیم، تا اینجا راضی نشدی تا اینکه ما را به ولایت و دوستی پسر عمویت علی (ع) دعوت نمودی، آیا شما واجب کردی یا خداوند؟

حضرت فرمودند: بلکه خداوند واجب نموده است ...

مرد عرب گفت: پس می‌پذیرم.

سپس پیامبر (ص) فرمود: ای برادر عرب! پنج فضیلت به علی (ع) داده شده که هر یک از آنها از دنیا و آنچه در آن است بهتر است، آیا آن فضایل را به تو خبر ندهم؟

گفت: بیان فرمایید ای رسول خدا.

حضرت فرمودند

۱- در جنگ بدر جبرئیل به من خبر داد که خداوند فرموده است: من به خودم سوگند خورده‌ام که محبت علی ابن ابی طالب (ع) را به کسی که دوستش دارم الهام کنم و کسی را که (نافرمانی می‌کند و) دوستش ندارم هدایتیم را از او بر می‌دارم (تا با اختیار خود دشمنی علی (ع) کند)

۲- نماز، روزه، حج و زکات واجب هستند، ولی بعضی را در این امور معاف کرده‌ام: ناتوان، فقیر و کودک و غیره ... ولی دوستی علی (ع) را بر اهل آسمان‌ها و زمین واجب کردم و مخالفت او را به کسی اجازه ندادم.

ص: ۱۳

۳- هر چیزی آقایی دارد. بزرگ پرندگان، کرکس و بزرگ چهارپایان، گاو نر و بزرگ وحشی‌ها، شیر. آقای روزها، جمعه، آقای ماه‌ها، ماه رمضان، آقای فرشتگان، اسرافیل، آقای آدمیان، آدم، آقای انبیا، من و سید و آقای اولیا، علی (ع) است.

۴- دوستی با علی (ع) درختی است که ریشه آن در بهشت و شاخه‌هایش در دنیاست، هر کس به شاخه‌ای بیاویزد در بهشت واقع خواهد شد و دشمنی علی درختی است که ریشه آن در جهنم و شاخه‌هایش در دنیاست. هر کس به شاخه‌ای بیاویزد در جهنم واقع خواهد شد.

۵- در قیامت، در سمت راست عرش، منبری برای من نصب می‌شود. سپس در کنار منبر من، منبری برای ابراهیم (ع) نصب

ص: ۱۴

می‌شود. پس از آن تخت و کرسی درخشنده‌ای که کرسی کرامت است بین منبر من و ابراهیم برای علی (ع) نصب می‌شود (دوست خدا بین دو دوست خدا) علی در قیامت با من است من و او هر دو در یک طراز هستیم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- امام شناسی و بیان فضائل حضرت علی (ع) (صراط اقوم و ...).

۲- بیان ادله امامت حضرت علی (ع) (برتری در علم، عدالت، عصمت و ...).

۳- علی (ع) و ویژگی‌های فردی او (عبودیت و بندگی و ...).

زیارت جامعه کبیره یکی از بهترین منابع برای بیان صفات امام و افزایش و تقویت روحیه امام شناسی در زائرین است و ذکر بعضی عبارات و توضیح آن برای آنان همراه با انس زائرین با این زیارت در طول سفر تأثیر ویژه‌ای در رسیدن به این هدف دارد.

تا که از مهرت علی جان تابشی دارد دلم در پناه سایهات آسایشی دارد دلم

یاد تو همواره ای لطف خدا مشکل گشاست تا که نامت می برم آرامشی دارد دلم

راز دل با چاه می گفتمی و از آن بی کسی جوشد اشک من به چشم و آتشی دارد دلم

۱- مجموعه الاخبار، باب ۲۵ ص ۹۱

ص: ۱۵

یکدم از نور ولای خود مکن بی بهره‌ام بی فروغ مهر تو، کی تابشی دارد دلم
عترت و قرآن «حسانا» هر دو ابر رحمت‌اند غم ندارم تا کز آنان بارشی دارد دلم

ص: ۱۶

زیارت امیرالمؤمنین (ع)

زیارت امیرالمؤمنین علی(ع)

قَالَ ابْنُ مَارِدٍ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): مَا لِمَنْ زَارَ جَدَّكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع)

فَقَالَ (ع): يَا بَنَ مَارِدٍ مَنْ زَارَ جَدِّي عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً مَقْبُولَةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً وَ اللَّهُ يَا بَنَ مَارِدٍ مَا تَطْعَمُ النَّارُ قَدَمًا تَغْبِثُ فِي زِيَارَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)

ابن مارد به امام صادق(ع) عرض کرد: کسی که جدت امیرالمؤمنین(ع) را زیارت کند چه پاداشی دارد؟

حضرت فرمودند: ای پسر مارد هر کس جدم را زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد، به هر قدمی که بر می‌دارد برایش یک حج مقبول و یک عمره مقبوله نوشته می‌شود. به خدا قسم ای پسر مارد، بر هر قدمی که در راه زیارت امیرالمؤمنین غبار نشیند به آتش نمی‌سوزد. (۱)

ص: ۱۷

موضوع پیشنهادی:

۱- معنای زیارت و آثار فردی و اجتماعی آن (اقتدای به امام الگوهای کامل و ...).

۲- توضیح درباره «عارفاً بحقه».

۳- آثار احترام و ادب به پیامبر و اهل بیت (ع) او.

جز نور علی نیست اگر درک بود با غیر علی کی ام سر برگ بود

گویند دم مرگ علی را بینم ای کاش که هر دم دم مرگ بود

ملاهادی سبزواری

ص: ۱۸

محل دفن حضرت علی (ع)

محل دفن حضرت علی (ع)
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَيْنَ دُفِنَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)
قَالَ: دُفِنَ فِي قَبْرِ أَبِيهِ نُوحٍ.
قُلْتُ: وَ أَيْنَ قَبْرُ نُوحٍ؟ النَّاسُ يَقُولُونَ: إِنَّهُ فِي الْمَسْجِدِ
قَالَ: لَا، ذَلِكَ فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ.

ص: ۱۹

ابوبصیر گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: امیرالمؤمنین(ع) کجا دفن شده است؟
فرمود: در قبر پدرش نوح.

گفتم: قبر نوح کجاست؟ مردم می گویند در مسجد است.

فرمود: خیر، قبر او در پشت کوفه است. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- مظلومیت حضرت علی(ع) (غصب حق ایشان، مخفی بودن قبر ایشان و سستی یاران و ..)

۲- جایگاه عظیم حضرت در نزد انبیای گذشته

۳- تأثیر پدر و مادر در روحیه و اخلاق فرزندان و ارتباط عاطفی بین والدین و فرزندان.

بر صفحه چهره ها خط لم یزلی معکوس نوشته است نام دو علی

یک لام و دو عین با دو یای معکوس از حاجب و انف و عین با خط جلی

ابوعلی سینا

ص: ۲۰

زیارت نوح و ابراهیم (ع)

زیارت نوح و ابراهیم (ع)

أَبِي إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْكُوفَةُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ. فِيهَا قَبْرُ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ قُبُورُ ثَلَاثِمِائَةِ نَبِيٍّ وَ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَسِتِّ مِائَةٍ وَصِيٍّ وَ قَبْرُ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع).
ابواسامه گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که

ص: ۲۱

می فرمود: کوفه باغی از باغ‌های بهشت است. در آن قبر نوح و ابراهیم و قبور سیصد و هفتاد پیامبر و ششصد وصی پیامبر و قبر سید اوصیا امیرالمؤمنین علی (ع) است. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- تجلیل از انبیا و بیان وقایعی از تاریخ ایشان

۲- وجود و انتخاب وصی برای انبیا، سنت الهی بوده است. آیا می توان تصور کرد خداوند برای خاتم الانبیا وصی انتخاب نکرده باشد؟!*

یر خدا و لنگر عرش خدا علیست مرآت حق و آینه حق نما علیست
در روز حشر شافع امت محمد است باب النجاه سلسله انبیا علیست

من که نام تو بر زبان دارم نام پاک تو حرز جان دارم
با تولای تو به ذات خدا شرف و عز جاودان دارم
تا نهادم جبین به خاک درت سر فراتر ز فرقدان دارم

۱- وسائل الشیعه ۱۰ / ۳۰۱، ح ۶

ص: ۲۲

سر ناقابلم فدای تو باد جان چه باشد که ارمغان دارم
گر که دارم گنه ولی بر سر از ولای تو سایبان دارم
بیمی از روز محشرم نبود چون تو مولای مهربان دارم
من که دارم تو و حسین تو را کی نظر سوی این و آن دارم
من که اندر عزای فرزندت روز و شب ناله و فغان دارم
یا حسین یا حسین می گویم بر تن خسته تا که جان دارم
ثابتم در جوار پاک رضا سر بر این عرش آستان دارم
زنده‌ام زنده با ولای علی بنده‌ام بنده خدای علی

ص: ۲۳

استجابات دعا در حرم علی (ع)

استجابات دعا در حرم حضرت علی (ع)

قَالَ الصَّادِقُ (ع): إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَتُفْتَحُ عِنْدَ دُعَاءِ الزَّائِرِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا تُكُنْ عَنِ الْخَيْرِ نَوَّامًا

درهای آسمان در هنگام دعای زائر امیرالمؤمنین باز می‌شود پس مراقب باش این فرصت را از دست ندهی و ضایع نکنی. (۱)

موضوع پیشنهادی:

ص: ۲۴

۱- دعا و آثار و فوائد آن.

۲- عوامل استجابات دعا (مکان زمان و ...).

۳- ائمه (ع) واسطه فیض می باشند (وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ).

قسمتی از قصیده هفتم، از علویات هفتگانه ابن ابی الحدید معتزلی که در اطراف ضریح حضرت علی (ع) نوشته شده است.

یا برق ان جئت الغری فقل له اتراک تَعَلَّمُ من بارضک مودع

فیک ابن عمران الکلیم و بعده عیسی یققیه و احمد یتبع

بل فیک جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و الملاء الأعلى أجمع

بل فیک نورالله جل جلاله لذوی البصائر یشششف و یلمع

فیک الامام المرتضی فیک الوصی المجتبی فیک البطین الانزع

هذا ضمیر العالم الموجود عن عدم و سر وجوده المستودع

هذا هو النور الذی عذباته کانت بجبهه آدم تتطلع

و شهاب موسی حیث اظلم ليله رفعت له لاءه تتشعشع

ما العالم العلوی الا تربه فیها لججتک الشریفه مَضَجُعُ

اقول فیک سمیدع کلا ولا حاشا لمثلک ان یقال سمیدع

ص: ۲۵

بل انت فی القيامة حاکم فی العالمین و شافع و مشفع
و الله لولا حيدر ما كانت الدنيا و لا جمع البریه مجمع
و اليه فی يوم المعاد حسابنا و هو الملاذ لنا غداً و المفزع
الامام علی بن ابیطالب / ۲۶۷

زیارت قبور علما در حرم حضرت علی (ع)

زیارت قبور علما در حرم حضرت علی (ع)

قَالَ الصَّادِقُ (ع): الرَّاَوِيَةُ لِجَدِيثِنَا يَشُدُّ بِهِ قُلُوبَ شِيعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.

معاویه بن عمار گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: مردی است که از شما روایت بسیار نقل کند و میان مردم انتشار دهد و آن را در دل مردم و دل شیعیان استوار کند و شاید عابدی از شیعیان شما باشد که در روایت چون او نباشد کدام یک بهترند؟ فرمود: کسی که روایات ما را نقل می‌کند تا دل‌های شیعیان ما را استوار کند برتر از هزار عابد است. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- ارزش علمای دین در نزد ائمه (ع).

۲- بهترین علم در زندگی (تقویت ایمان و اعتقاد، کمک به انسان‌های دیگر و نوع دوستی و ...).

۳- رنج و زحمت فراوان علما در طول تاریخ جهت حفظ معارف شیعی.

۱- اصول کافی ۱/ ۳۳، ح ۹

ص: ۲۷

کمیل بن زیاد

کمیل بن زیاد

کمیل از بزرگان خواص شیعیان علی(ع) و از اصحاب سرّ و عاشقان امام(ع) بوده است و دعای کمیل منسوب به اوست و نصایح گرانقدر علی(ع) به او در کتب مختلف (۱) آمده است.

وقتی حجاج در کوفه مستقر شد به دنبال کمیل فرستاد او فرار کرد. اما حجاج خانواده و قبیله او را تحت فشار قرار داد. وقتی کمیل این را فهمید، خود را تسلیم کرد و گفت: من پیرمردی هستم که عمرم گذشته است، سزاوار نیست که به خاطر من، قبیله‌ام از

۱- از جمله بحارالانوار، ج ۱ و ۷۷ و تحف العقول.

ص: ۲۸

حق خود محروم شوند.

حجاج که او را دید، گفت: خیلی دوست داشتم تو را دستگیر کنم.

کمیل گفت: زیاد به خودت سختی نده و از خشم، دندان‌هایت را به هم نفشار، مولایم علی (ع) به من خبر داده است که به دست تو کشته خواهم شد. آنگاه به دست حجاج به شهادت رسید.

کمیل در جنگ‌ها در کنار حضرت علی (ع) قرار داشت و از یاران امام حسن (ع) نیز به حساب می‌آمد و زمان قیام کربلا در زندان عبیداله به سر می‌برد.

کمیل گوید: شبی همراه حضرت علی (ع) از مسجد کوفه به سوی خانه روان شدیم. در بین راه صدای تلاوت قرآن به گوشم رسید که می‌خواند «امنه و قانت آناء اللیل ..» (۱)

صدایش بسیار خوش و دل‌نشین بود و من در دلم نسبت به او تحسین کردم. امام علی (ع) به من نگاه کرد و فرمود:

يَا كَمِيلُ لَا تُعْجِبَكَ طَنْطَنَةُ الرَّجُلِ إِنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ سَأْتِبُكَ فِيمَا بَعْدَ

ای کمیل آواز این مرد تو را به تعجب نیاندازد او از اهل آتش است به زودی تو را خبر خواهم داد.

من از این که حضرت از باطن و فکر من مطلع و از دخول آن مرد به آتش خبر دادند، متحیر شدم. مدتی گذشت و ما در جنگ با خوارج شرکت کردیم، کسانی که قاری قرآن بودند، ولی در جبهه خوارج در برابر حضرت علی (ع) قرار داشتند.

ص: ۲۹

حضرت به سوی من توجه کردند و با شمشیر خود به سر یکی از کشته ها اشاره کردند و فرمودند: یا کمیل «اَمَّنْ هُوَ قَانَتْ اَنَاءَ اللَّيْلِ ...» کنایه از این که، ای کمیل این همان کسی است که آن شب با صدای دلنشین قرآن می خواند و تو را به تعجب واداشت. من به قدم های حضرت افتادم و از خدا طلب مغفرت کردم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- راه های تقرب به اهل بیت (ع).

ص: ۳۰

۲- تسلیم در برابر اوامر و نواهی ائمه(ع)، راهی برای تقرب به خداوند متعال است(دعای کمیل و ...).

۳- عمل ظاهر بدون تعمق و تفکر و همراه با افراط و تفریط، کم اثر یا بی اثر است.

اینان که به رسم عاشقی سوخته‌اند آئین وفا نزد که آموخته‌اند

بر خرمن آتش زده چون ابراهیم نمود و بساط کفر او سوخته‌اند

ص: ۳۱

میثم تمار

قال علی (ع): يَا مِثْمُ إِنَّكَ تُؤَخِّدُ بَعِيدِي وَتُضِلُّ لَبِي، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمُ الثَّانِي ابْتَدَرَ مِنْخِرَاكَ وَفَمُّكَ دَمًا حَتَّى تُخْضَبَ لِجَيْتِكَ، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمُ الثَّلَاثُ، طُعِنْتَ بِحَرْبِهِ فَيُقْضَى عَلَيْكَ

ای میثم تو بعد از من دستگیر می شوی و به دار کشیده می شوی، در روز دوم زبان‌ت را می برند و لجام بر دهنت می زنند که محاسنت به خون

ص: ۳۲

خضاب می شود و در روز سوم ضربه‌ای به تو می‌زنند و شهید می‌شوی. (۱) میثم غلام زنی از بنی‌اسد بود که علی(ع) او را خریدند و آزاد کردند و او را بر علوم بسیار و اسرار خفیه آشنا ساختند.

راوی گوید: میثم بر ام‌سلمه همسر پیامبر(ص) وارد شد. ام‌سلمه پرسید: شما کیستی؟
جواب داد: من میثم هستم.

گفت: به خدا قسم بسیار می‌شنیدم که رسول خدا(ص) تو را یاد می‌کرد و سفارش تو را به علی(ع) می‌نمود.

میثم گفت: حسین بن علی کجاست؟

ام‌سلمه پاسخ داد: در حیاط خانه‌اش می‌باشد.

گفت: به او خبر بده که بسیار دوست داشتم بر او سلام کنم. و ما انشاء ا... در نزد رب العالمین یکدیگر را ملاقات می‌کنیم.

ام‌سلمه عطریات آورد و محاسن میثم به آن معطر شد. میثم گفت: به زودی این محاسن به خون خضاب می‌شود.

ام‌سلمه گفت: چه کسی تو را به این، خبر داده است.

میثم گفت: سید و اقایم خبر داده است.

ام‌سلمه گریست و گفت: او سید و مولای تو تنها نیست او سید من و سید همه مسلمین است. (۲) شهادت میثم به دست عید الله ۱۰

روز قبل از آمدن امام حسین(ع) به عراق بوده است.

عیدالله به میثم گفت: شنیده شده که علی(ع) از آنچه به سرت می‌آید خبر داده است.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲/ ۲۹۳

۲- سفینه البحار ۴/ ۳۳۸ و شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲/ ۲۹۳

ص: ۳۳

میثم: بلی خبر داده است.

عبیدالله: به تو خبر نداده که من با تو چگونه عمل می‌کنم؟

میثم گفت: خبر داده است که تو مرا به دار می‌کشی (دهمین نفر از عشره مبشره را).

عبیدالله گفت: مخالفت خواهم کرد.

میثم گفت: چگونه مخالفت می‌کنی و حال آن‌که او از رسول خدا ۶ و رسول خدا از جبرئیل و جبرئیل از خدا نقل کرده است.

به‌خدا قسم، من محل به‌دار آویخته شدن خودم

ص: ۳۴

را می‌دانم که در کدام محله کوفه است و من اولین خلق خدا هستم که لجام به دهنم می‌بندند.... (۱) عیدالله میثم را به‌دار آویخت و میثم در همان حال فضائل بنی‌هاشم می‌گفت و مذمت بنی‌امیه می‌کرد که عیدالله مجبور شد زبانش را بریده و لجام بر دهانش ببندند و ...

برای به دست آوردن اخبار غیب از جانب علی(ع) نسبت به شیعیان خاص خود، به شرح نهج البلاغه (۲) مراجعه شود. موضوع پیشنهادی:

- ۱- استقامت و پایداری در راه ولایت اهل‌بیت(ع).
 - ۲- رسیدن به کمال، مستلزم تحمل ناملازمات و دشمنی دنیا طلبان است.
 - ۳- آماده مرگ بودن و مهمتر از آن، طلب عاقبت بخیری.
- چون حسانا می‌کنی ز اینجا عبور بوسه زن بر خاک پاک این قبور
در ره توحید اینجا مشعلی است مدفن پر نور یاران علی است

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲/ ۲۹۳

۲- همان.

ص: ۳۵

اشکی بود مرا که به دریا نمی‌دهم این است گوهری که به دنیا نمی‌دهم
گر لحظه‌ای وصال حبیبم شود نصیب آن لحظه را به عمر گوارا نمی‌دهم
عمری بود که گوشه نشین محبتم این گوشه را به وسعت صحرا نمی‌دهم
در سینه‌ام جمال علی نقش بسته است این سینه را به سینه سینا نمی‌دهم
تا زنده ام ز درگه او پا نمی‌کشم دامان او ز دست تمنا نمی‌دهم
سرمایه محبت زهراست دین من دین خویش را به دو دنیا نمی‌دهم
گر مهر و ماه را به دو دستم نهد قضا یکذره از محبت زهرا نمی‌دهم
در سایه رضایم و همسایه رضا این سایه را به سایه طوبی نمی‌دهم.

مؤید

ص: ۳۷

بخش دوم: کوفه

اشاره

شهر کوفه

زید بن علی بن الحسین (ع)

مسجد کوفه

مسلم بن عقیل

مختار ثقفی

مسجد سهله

ص: ۳۸

شهر کوفه

شهر کوفه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً. فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ (وَالتِّينِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سَيْنِينَ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) (۱) فَالتِّينُ الْمَدِينَةُ وَ الزَّيْتُونُ بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَ طُورُ سَيْنِينَ الْكُوفَةُ وَ هَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ مَكَّةُ.

خداوند از بین شهرها چهار شهر را انتخاب کرد، آنجا که فرمود: قسم به تین و زیتون و طور سینین و آن شهر امن. تین، مدینه و زیتون، بیت المقدس و طور سینین، کوفه و شهر امن، مکه است. (۲) قال الصادق (ع): نَفَقَةُ دِرْهَمٍ بِالْكُوفَةِ تُحَسَّبُ بِمِائَةِ دِرْهَمٍ فِيمَا سِوَاهَا وَ رَكَعَتَانِ فِيهَا تُحَسَّبُ بِمِائَةِ رَكَعَةٍ.

یک درهم صدقه در کوفه معادل صد درهم در غیر آن و دو رکعت نماز در آن معادل صد رکعت است. (۳)

۱- تین / ۱۳

۲- سفینه البحار ۴ / ۲۶۷

۳- همان ۴ / ۲۶۷

ص: ۳۹

موضوع پیشنهادی:

- ۱- بیان تاریخچه کوفه.
- ۲- قداست بعضی از زمان‌ها و مکان‌ها و تأثیر آن‌ها در افزایش ثواب عبادات (مسجد، حرم ائمه و ...).
- ۳- کوفه و مرکزیت حکومت در زمان علی (ع) و امام زمان (عج) و بیان حکمت و فلسفه آن.

ص: ۴۰

فلک امشب نسیمی سرد دارد زمین از غصه، رنگ زرد دارد

بیا ای دل بنالیم و بگرییم هوای کوفه بوی درد دارد

وفایی

خدایا این جماعت خود پرستند بروی دین و قرآن دیده بستند

پس از بشکستن پهلوی زهرا سر مظلوم عالم را شکستند

وفایی

ص: ۴۱

زید بن علی بن الحسین (ع)

زید بن علی بن الحسین (ع)

قال الصادق (ع): وَلَا تَقُولُوا خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَكَانَ صِدُوقًا وَلَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَى مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَوْ ظَهَرَ لَوْفَى بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ

نگویید که زید خروج کرد به درستی که زید عالم و راستگو بود و شما را به سوی خود دعوت نکرد او شما را به امام از آل

محمد (ص)

ص: ۴۲

دعوت کرد و اگر پیروز می شد هر آینه به آن وفا می کرد. (۱) چند نکته درباره زید بن علی (ع):

- امام صادق (ع) بر زید نماز خواند در حالی که او به دار آویخته شده بود.

- امام صادق (ع) و زنان اهل بیت (ع) بر زید عزاداری می کردند.

- زید بن علی قائل به امامت امامان دوازده گانه بوده است.

- شهادت زید در ماه صفر سال ۱۲۱ ه. ق در سن ۴۲ سالگی رخ داد. بدنش ۴ سال بر دار بود و بعد از آن بدنش را سوزاندند و خاکسترش را بر باد دادند. برای او مکان یادبودی در محل دارش ساخته اند که در محله کناسه کوفه بوده است.

امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ أَذِنَ فِي هَلَاكِ بَنِي أُمِّيَّةَ بَعْدَ إِخْرَاقِهِمْ زَيْدًا بِسَبْعَةِ أَيَّامٍ.

خداوند عزوجل بعد از سوزاندن بدن زید توسط بنی امیه اذن به هلاکت آنان داد.

موضوع پیشنهادی:

۱- بیان تاریخ زید و قیام او و تجلیل ائمه (ع) از او.

۲- بیان تاریخ اولاد ائمه (ع) و فشار و ظلم حاکمان بنی امیه و بنی عباس بر ایشان.

۳- مذمت ظلم و بیان انواع ظلم (زبانی،

ص: ۴۳

عملی و ... و تأثیر ظلم انسان در دنیا و آخرت.

مسجد کوفه

مسجد کوفه

قال الرضا(ع): إِنَّ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ بَيْتُ نُوحٍ لَوْ دَخَلَهُ رَجُلٌ مِائَةَ مَرَّةٍ لَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ مَغْفِرَةٍ لِأَنَّ فِيهِ دَعْوَةَ نُوحٍ (ع) حَيْثُ قَالَ (رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا).

حضرت رضا(ع) فرمود: مسجد کوفه خانه نوح بوده است. اگر فردی صدبار داخل آن شود خداوند صد

ص: ۴۴

مغفرت برایش می نویسد؛ زیرا در آن دعای نوح بوده است که فرمود: پروردگارا! بیامرزم مرا و پدر و مادرم و هر کس که مؤمن است و داخل خانه‌ام می شود. (۱) قَالَ عَلِيٌّ (ع): مَسْجِدُ الْكُوفَةِ صَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا وَ سَبْعُونَ وَصِيًّا أَنَا أَحَدُهُمْ. حضرت علی (ع) فرمود: در مسجد کوفه هفتاد نبی و هفتاد وصی نماز خوانده‌اند و من یکی از آن‌ها هستم. (۲) جهت اطلاع بیشتر، به مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه و سهله مراجعه کنید.

موضوع پیشنهادی:

- ۱- بیان دعاهای قرآنی و توضیح آن.
- ۲- دعا برای اصلاح فرزندان توسط والدین و دعا برای همه مؤمنین.
- ۳- شهادت مکان‌ها و زمان‌ها در روز قیامت به نفع یا ضرر انسان.

ز خون محراب را گلیوش کردند جهان را با غمی همدوش کردند
چه تاریک است دل‌ها ای دریغا چراغ عشق را خاموش کردند

۱- بحارالانوار ۱۰۰ / ۲۶۲، میزان الحکمه ۴ / ۳۹۸

۲- میزان الحکمه ۴ / ۳۹۸، به نقل از بحارالانوار ج ۱۱ / ۵۸

ص: ۴۵

نمی گویم دلم چون گریه می کرد که از داغ تو گردون گریه می کرد
خودم دیدم به همراه پیمبر کنارت فاطمه خون گریه می کرد

سلام ما به علی و نماز آخر او به حال راز و نیاز و به دیده تر او
سلام ما به علی و به عدل و ایمانش سلام ما به پیام و کلام و منبر او
سلام ما به سجودش که رنگ خون دارد سلام ما به رخ غرق خون اطهر او
سلام ما به پریشانی حسین و حسن سلام ما به دل پر ز آه دختر او
سلام ما به نفس های نفس پیغمبر سلام ما به فروغ نگاه آخر او
سلام ما به غمی کز مدینه دارد او سلام ما به ملاقات او و همسر او
چو خاک اوست سرای ابوذر و مقداد فتاده است وفایی به خاک قنبر او

مسلم بن عقیل

مسلم بن عقیل (ع)

قال الحسين (ع): رَحِمَ اللَّهُ مُسْلِمًا فَلَقَدْ صَارَ إِلَى رَوْحِ اللَّهِ وَرِيحَانِهِ وَتَحِيَّتِهِ وَرِضْوَانِهِ أَمَا إِنَّهُ قَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَبَقِيَ مَا عَلَيْنَا
خدا مسلم را رحمت کند، او به روح و ریحان و ریحان الهی پیوست. آنچه بر او بود گذشت و آنچه بر ماست همچنان باقی است.
و بعد حضرت چند بیت شعر گفتند که یکی از آن ابیات این است

ص: ۴۷

: وَ إِن تَكُنْ الْأُبْدَانِ لِلْمَوْتِ أَنْشَيْتُ
فَقَتْلُ امْرِئٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ.

امام (ع) بعد از شنیدن خبر شهادت مسلم وهانی فرمود:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا» - يَكْرُرُ ذَلِكَ مَرَارًا - لَا خَيْرَ فِي الْعَيْشِ بَعْدَ هَوْلَاءِ

ما از خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم، رحمت خدا بر آنان باد (این را بارها فرمود). در زندگی بعد از ایشان خیری نیست.

وقتی او را بر عبیدالله وارد کردند فردی گفت: بر امیر سلام کن.

مسلم گفت: ساکت باش، به خدا قسم او امیر من نیست.

ابن زیاد گفت: مهم نیست که سلام کنی یا نه، تو به زودی کشته می‌شوی.

مسلم گفت: اگر مرا بکشی، همانا بدتر از تو، بهتر از مرا کشته است و تو از هیچ بدی روی گردان نبودی.

ابن زیاد گفت: بر امامت خروج کرده‌ای و فتنه بین ایشان انداختی.

مسلم گفت: دروغ می‌گویی. معاویه و پسرش یزید بین مسلمین تفرقه انداختند و تو و پدرت آن‌ها را یاری کردید و من

ص: ۴۸

امید دارم که شهادت من به دست بدترین خلق باشد.

ابن زیاد: خود را در جایگاهی قرار داده‌اید که اهل آن نیستید.

مسلم: چه کسی اهل آن است؟

ابن زیاد: یزید بن معاویه.

مسلم: الحمدلله، راضی هستیم به آنچه که خداوند خود حکم کند.

ابن زیاد: آیا برای خودتان چیزی گمان دارید؟

مسلم بن عقیل: والله گمان ندارم بلکه این یقینی است.

ابن زیاد: به من بگو برای چه به این شهر آمده‌ای و بین مردم تفرقه انداختی؟

مسلم: من برای فتنه نیامده‌ام بلکه شما منکر را آشکار کردید و معروف را دفن نمودید و بدون رضایت مردم بر مردم حکمرانی

ص: ۴۹

می‌کنید و آن‌ها را به غیر دستورات الهی وادار می‌کنید. ما آمدم تا امر به معروف کنیم و نهی از منکر کرده و ایشان را به کتاب و سنت دعوت کنیم و ما اهل این امر هستیم همانگونه که رسول خدا(ص) فرمود. در این هنگام، عیدالله بن زیاد ناسزا و دشنام به علی و حسن و حسین(ع) داد. مسلم گفت:

أَنْتَ وَ أَبُوكَ أَحَقُّ بِالشَّمِّ، فَأَقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ يَا عَدُوَّ اللَّهِ.

تو و پدرت سزاوارتر به این دشنام‌ها هستید. آنچه می‌خواهی انجام بده، ای دشمن خدا. نکته:

تا زمانی که بحث و مناظره است، مسلم جواب می‌دهد، ولی طاقث شنیدن دشنام به مولای خود را ندارد. وقتی ابن زیاد ناسزا گفت، مسلم می‌گوید: اگر می‌خواهی مرا بکشی، بکش. (۱) موضوع پیشنهادی

۱- بیان تاریخچه‌ای کوتاه از زندگی مسلم ابن عقیل.

۲- لزوم داشتن تعصب دینی و عدم تحمل ناسزا به اولیای الهی.

۳- درس‌هایی از شهادت مسلم بن عقیل

ص: ۵۰

(وفاداری، جنگ جوانمردانه، رفاه طلبی کوفیان و ...).

فریاد ز کوفیان که نیرنگ زدند بر دامن آشوبگری چنگ زدند
با مسلم اگرچه روز، بیعت کردند شب عهد شکسته، بر سرش سنگ زدند

کوفه امشب چه ملال انگیز است کوچه‌هایش همه ماتم خیز است
در و دیوار سخن می‌گویند سخن از غربت من می‌گویند
ای خدا این دل شب من چه کنم یک تن و این همه دشمن چه کنم
اهل کوفه همه پیمان شکنند خود نمک‌خوار و نمک‌دان شکنند

ص: ۵۱

صبح من شمع و همه پروانه شام بیگانه تر از بیگانه
صبح با من همگی پیوستند شب در خانه برویم بستند
صبح بر دامن من چنگ زدند شام از بام مرا سنگ زدند
آخر عشق بود در بدری حاصلش نیست به جز خون جگری
گر کشد خصم به پای دارم دست حاشا که از او بردارم

ص: ۵۲

مختار ثقفی

قَالَ الْبَاقِرُ (ع) لَا بِي مُحَمَّدِ الْحَكَمِ بْنِ الْمُخْتَارِ: رَحِمَ اللَّهُ أَبَاكَ رَحِمَ اللَّهُ أَبَاكَ مَا تَرَكَ لَنَا حَقًّا عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا طَلَبَهُ قَتَلَ قَتَلْتَنَا وَ طَلَبَ بَدِمَاتِنَا

حضرت باقر(ع) به فرزند مختار فرمودند: خدا پدرت را رحمت کند. خدا پدرت را رحمت کند. هیچ حقی از ما در نزد احدی نبود مگر این که مطالبه کرد. قاتلین ما را کشت و خونخواهی ما

ص: ۵۳

نمود. (۱) امام سجاد(ع) بعد از قیام مختار سجده کردند و فرمودند:
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْرَكَ لِي تَأْرِي مِنْ أَعْدَائِي وَ جَزَى الْمُخْتَارَ خَيْرًا.

خدا را شکر که از دشمنان ما خونخواهی کرد و خداوند مختار را جزای خیر عنایت کند. (۲) درباره مختار و اعتقادات او اقوال مختلف نقل شده است، ولی اکثر علمای شیعه او را مدح کرده‌اند و اعتقاداتش را ستوده‌اند. زیرا از اهل بیت(ع) سخنانی در مدح او و نهی از مذمت او بسیار رسیده است و دشمنان مختار آنچنان که بر علیه امیرالمؤمنین(ع) مطاعن ساختند درباره او هم چنین کرده‌اند تا او را از قلوب شیعه دور نمایند. (۳) موضوع پیشنهادی:

- ۱- عوامل جلب رضایت اهل بیت(ع) از شیعیان.
- ۲- سعی در پاکسازی جامعه از فساد و گناه در حدّ توان.

۱- سفینه البحار ۱۴۷/۲

۲- همان ۱۴۷/۲

۳- سفینه البحار ۱۵۰/۲

ص: ۵۴

مسجد سهله

قال الصادق(ع):

إِذَا دَخَلْتَ الْكُوفَةَ فَأْتِ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَصَلِّ فِيهِ وَاسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ لِدِينِكَ وَدُنْيَاكَ ... وَ مَنْ دَعَا اللَّهَ فِيهِ بِمَا أَحَبَّ قَضَى لَهُ حَوَائِجَهُ وَ رَفَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكَاناً عَلِيّاً إِلَى دَرَجَةِ إِدْرِيسَ وَ أَجَارَهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَ مَكَايِدِ أَعْدَائِهِ.

امام صادق(ع) فرمود: وقتی وارد کوفه شدی به

ص: ۵۵

مسجد سهله بیا و نماز بگذار و حوائج دین و دنیای خود را از خدا بخواه. مسجد سهله خانه ادریس نبی بوده است که نماز می خواند و خیاطت می کرد و هر کس در مسجد سهله دعا کند به آنچه بخواهد خداوند دعایش را مستجاب و حوائجش را برآورده می کند و او را تا درجه ادریس در روز قیامت بالا می برد و از مکروهات دنیا و مکاید و نیرنگ دشمنان در امان خواهد بود. آنجا خانه ابراهیم بود که به سوی عمالقه حرکت کرد، مناخ و بار انداز خضر است و هر کس در آنجا اقامت کند گویا در خیمه رسول خدا(ص) اقامت کرده است.

قَالَ الصَّادِقُ (ع): كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ (ع) فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ.

امام صادق(ع) فرمود: گویا می بینم حضرت مهدی(عج) را در مسجد سهله در حالی که با اهل و عیالش در آنجا فرود آمده است. امام صادق(ع) در این مسجد برای نجات زنی که به خاطر لعن قاتلین حضرت زهرا(س) به زندان افتاده بود دعا کردند و خداوند او را خلاص فرمود. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- بیان فضائل مسجد سهله.

۱- سفینه البحار ۲ / ۵۹۱

ص: ۵۶

۲- ویژگی‌ها و صفات یاران امام زمان (عج).

۳- وظائف شیعیان در قبال امام زمان (عج) و در عصر غیبت کبری.

عمری است که از حضور او جا ماندیم در غربت سرد خویش تنها ماندیم

او منتظر است تا که ما برگردیم مائیم که در غیبت کبری ماندیم

من به عشقت اسیر می‌میرم پیش پایت حقیر می‌میرم

ص: ۵۷

چون نهالم اگر نباری تو به خدا در کویر می میرم
مهر تو روشنی به دل بخشید گر که روشن ضمیر می میرم
چون که مسکین آستان توام وقت مردن امیر می میرم
دوست دارم که با تو باشم من گر جوان یا که پیر می میرم
از رهت پا نمی کشم یکدم تا که در این مسیر می میرم
بس که شرمنده ز افعالم پیش تو سر به زیر می میرم
دم مردن اگر تو را بینم چقدر دلپذیر می میرم
لحظه‌ای بعد دیدن رویت گر بمیرم چه دیر می میرم
به ولای تو می خورم سوگند گر بگویی بمیر می میرم
در ره عشق تو وفایی گفتم من به عشقت اسیر می میرم

ص: ۵۸

بخش سوّم: کربلای معلی**اشاره**

دعای امام صادق(ع) به زوّار امام حسین(ع)
 زیارت امام حسین(ع)
 ویژگی‌های امام حسین(ع)
 گریه بر امام حسین و اهل بیت(ع)
 تربت امام حسین(ع)
 آب فرات
 برداشتن کام فرزندان با آب فرات و
 تربت امام حسین(ع)
 زوّار امام حسین(ع) کجایند؟
 حشر با ائمه(ع)
 میهمان بهشتیان
 حضرت عباس(عبد صالح)(ع)
 حضرت علی اکبر(ع)
 حضرت علی اصغر(ع)
 تل زینیه
 قتلگاه
 خیمه‌گاه
 محل سدره المنتهی
 اصحاب امام حسین(ع)
 حبیب بن مظاهر
 حرّ بن یزید ریاحی

دعای امام صادق (ع) به زوّار امام حسین (ع)

معاویه بن وهب گوید: من بر امام صادق (ع) وارد شدم در حالی که در محل نماز در حال عبادت بود، نشستم تا نماز و دعایش تمام شود شنیدم که در مناجات می‌فرمود:

ای خدایی که ما را به کرامت اختصاص دادی و شفاعت را به ما وعده دادی و ما را مخصوص برای جانشین پیامبر گردانیدی ... و دل‌های مردم را به سوی ما سوق دادی،

اغْفِرْ لِي وَإِخْوَانِي وَزُؤَارِ قَبْرِ أَبِي الْحُسَيْنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنَا وَرَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا وَسُرُوراً
أَدْخَلُوهُ عَلَيَّ نَبِيَّكَ ...

مرا و برادرانم و زوّار قبر پدرم حسین (ع) را بیامرز. کسانی که مالشان را انفاق کردند و بدن‌هایشان را به سختی انداختند. زیرا به نیکی بر ما رغبت دارند و با ابراز علاقه به ما امید ثواب

ص: ۶۰

الهی را دارند و موجب سرور و خوشحالی پیامبرت شده‌اند.

خدایا دشمنان ما بدین جهت، بر ایشان طعنه می‌زنند و آنان را سرزنش می‌کنند ولی ایشان تمام طعن‌ها را تحمل کرده و به سوی ما می‌شتابند.

فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي غَيَّرْتُهَا الشَّمْسُ وَأَرْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي تَقَلَّبَ عَلَيَّ حُفْرَةُ أَبِي عَدِ اللّٰهِ.

خدایا این چهره‌هایی که بر اثر تابش خورشید تغییر کرده و به سوی قبر ابی عبدالله می‌آیند را

ص: ۶۱

مورد رحمت قرار ده.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَتِلْكَ الْأَبْدَانَ حَتَّى تُؤَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ.

خدایا من ایشان را و این بدن‌ها را به تو می‌سپارم تا زمانی که در کنار حوض کوثر در روز عطش به ما برسند (و ما از ایشان پذیرایی کنیم)

موضوع پیشنهادی:

۱- علاقه فراوان اهل بیت به دوستان و شیعیان خود و دعا برای ایشان.

۲- زیارت امام حسین (ع) ولو با مشققات فراوان.

کربلا کعبه دل‌هاست خدا می‌داند دیدنش آرزوی ماست خدا می‌داند

کربلا گلشن سر سبز علی و زهرا است تا چه حد وقف تماشاست خدا می‌داند

کربلا را چه نیاز است که تفسیر کنند عشق حرفی است که گویاست خدا می‌داند

ما عزادار حسینیم که اشک غم او آبروی همه ماست خدا می‌داند

اولین مستمع مجلس پرفیض حسین مادرش حضرت زهرا است خدا می‌داند

ص: ۶۲

تا ابد از غم او در دل ذرات وجود کس نداند که چه غوغاست خدا می‌داند
نگه آخر او سوی خيام است ولی چه در آن آئینه پیداست خدا می‌داند
یوسف فاطمه افتاد به خاک و دردا چه خبر در دل صحراست خدا می‌داند
چشمه چشم وفایی شده دریا از اشک قدر آن دیده که دریاست خدا می‌داند

آثار زیارت امام حسین (ع)

قال الصادق (ع): مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ.

امام صادق (ع) فرمود: هر کس به زیارت امام حسین (ع) رود در حالی که عارف به حق او باشد خداوند نام او را در اعلی علیین می نویسد. (۱) قال الرضا (ع): يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فُزِرَ الْحُسَيْنَ.

يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمَبِيِّئَةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فَالْعَنْ قَتْلَهُ الْحُسَيْنَ.

يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ (ع) فَقُلْ مَتَى ذَكَرْتَهُمْ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (۲)

۱- وسائل الشیعه ۱۰/ ۳۲۴

۲- همان / ۳۲۵

ص: ۶۴

حضرت امام رضا(ع) فرمود: ای پسر شیب(ع) اگر دوست داری در حالی که گناهی بر تو نیست به ملاقات خداوند روی، پس حسین را زیارت کن.

ای پسر شیب(ع) اگر دوست داری که در غرفه های بهشتی در کنار پیامبر باشی، دشمنان و قاتلان حسین را لعن کن.
ای پسر شیب اگر دوست داری که در ثواب مثل شهدای کربلا باشی پس هر گاه یاد آنها کردی

ص: ۶۵

بگو: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً».

موضوع پیشنهادی:

- ۱- کیفیت زیارت عارفانه.
- ۲- آداب زیارت ائمه (ع) مخصوصاً امام حسین (ع).
- ۳- تولی و تبری در واقعه کربلا.

ویژگی‌های امام حسین (ع)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (ع) يَقُولَانِ: إِنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنِ (ع) مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْإِمَامِيَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ الشَّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ لَا تُعَدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَائِئاً وَ رَاجِعاً مِنْ عُمْرِهِ.
 محمد بن مسلم گوید: از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمودند:

ص: ۶۷

خداوند در مقابل شهادت امام حسین (ع) به او چند چیز عنایت کرد:

- امامت را در ذریه او قرار داد
- شفا را در تربت او قرار داد.
- اجابت دعا در کنار قبر او را حتمی کرد
- ایام زیارت زائر را در رفتن و برگشتن از عمر او حساب نکرد. (۱) موضوع پیشنهادی:
- ۱- آثار تکلیفی و وضعی اعمال (هر عملی، اثری دارد).
- ۲- پاداش اعمال حسنه و آثار آن در نسل انسان.
- ۳- عمل خالصانه از ما، پاداش کامل از خدا (عمل به خاطر پاداش، تجارت است و ...).
- ای که عالم ز عزای تو به سر خاک کنند خون بگیرند و گریبان ز غمت چاک کنند
تا صف حشر به یاد لب خشکیده تو تشنه کامان طلب دیده نمناک کنند
در غمت هر که به رخ قطره اشکی ریزد قدسیان اشک ز رخساره او پاک کنند

۱- وسائل الشیعه ج ۱۴ / ص ۴۲۳

ص: ۶۸

خاکیان بهر وصال حرمت شب همه شب با خیال رخ تو سیر در افلاک کنند
در جزا سبز تر از سرو بر آید از خاک هر که را با گهر مهر تو در خاک کنند
اشک‌هایی که روان است به یاد غم تو عاقبت دامن ما را ز گنه پاک کنند
با دلی پر ز ولای تو وفا می گفت با تولای تو ای کاش مرا خاک کنند

گریه بر امام حسین و اهل بیت او (ع)

قال الرضا(ع): مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تَبْكِكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيَا فِيهِ أَمْزَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ.

امام رضا(ع) فرمود: هر کس مصائب ما را یاد کند پس بگرید یا بگریاند، در روزی که چشم‌ها گریان است چشم او گریان نخواهد شد. و هر کس در محفلی بنشیند که امر ما اهل بیت در آن احیا می شود، قلبش نمیرد، در روزی که دل‌ها می میرد. (۱) قال الرضا(ع): فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ.

امام رضا(ع) فرمود: پس بر مثل حسین باید گریه کنندگان بگریند، چرا که، گریه بر حسین گناهان بزرگ را می ریزد. (۲)

۱- وسائل الشیعه ۳۹۲/۱۰

۲- همان ۳۹۴/۵

ص: ۷۰

موضوع پیشنهادی:

- ۱- فلسفه عزاداری بر اهل بیت (ع) مخصوصاً امام حسین (ع).
 - ۲- آثار و فوائد گریه بر امام حسین (ع).
- ای سوخته در غم شرر بار حسین سبزست ز خون سرخ، گلزار حسین
تا منتقم آل محمد آید انصار حسین اند، عزادار حسین

تربت امام حسین (ع)

قال الصادق (ع): فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَهُوَ الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ

در خاک قبر حسین (ع) شفا از هر مرضی است و آن، دوی برتر است. (۱) قال الصادق (ع): إِذَا أَكَلْتَهُ فَقُلْ اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةُ الْمُبَارَكَةُ وَرَبِّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَثَهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ. وقتی از آن (خاک) خوردی، بگو: خداوندا، ای پروردگار این تربت مبارک و پروردگار وصی که در آن آرمیده است، بر محمد و آل محمد درود فرست و این تربت را برایم علم نافع و رزق واسع و شفای از هر مرضی قرار ده. (۲) موضوع پیشنهادی:

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۴۱۰

۲- همان ۵/ ۴۱۲

ص: ۷۲

- ۱- فایده تربت امام حسین (ع) (مفاتیح الجنان).
- ۲- بیان وقایع تاریخی درباره آثار تربت سیدالشهداء.
- ۳- ارزش مکان‌ها به خاطر اعمال خوب و حسنات (مسجد، مکان نماز و دعا، شهرها مثل حرم امن الهی و حرم پیامبر اکرم و ...).
ای عرش علا، صحن و سرای تو حسین خوش تر ز بهشت، کربلای تو حسین
چون خون خدایی و خدا بر تو بهاست تا هست خدا، هست عزای تو حسین

ص: ۷۳

آب فرات

قال علی بن الحسین (ع): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُهْبِطُ مَلَكًا فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثَةٌ مَثْقِيلٍ مِنْ مِسْكِ الْجَنَّةِ فَيَطْرَحُهُ فِي فُرَاتِكُمْ هَذَا وَ مَا مِنْ نَهْرٍ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا أَعْظَمَ بَرَكَهً مِنْهُ

حضرت امام سجاد(ع) فرمود: خداوند تعالی در هر شب فرشته ای را به زمین می فرستد که همراه او سه مثقال از مشک بهشت است و آنرا در فرات

ص: ۷۴

می‌ریزد و هیچ نهری در شرق زمین و غرب آن نیست که با برکت تر از فرات باشد. (۱) قال علی (ع):

الْفَرَاتُ سَيِّدُ الْمِيَاهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

حضرت علی (ع) فرمود: فرات آقای آب‌ها است در دنیا و آخرت. (۲) موضوع پیشنهادی:

۱- بیان فضیلت آب فرات.

۲- مؤمن و تشبیه او به آب (شاداب، حیات‌بخش - نفوذکننده در دل‌ها و ...).

ای فرات از چه تو سرگشته و شوریده سَری؟ مگر از بی سروسامانی من بی خبری؟

از پی گمشده‌ای میدوی ای آب فرات که در این دشت چو من ره سپر و در بدری؟

حسان

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۳۱۴

۲- همان/ ۳۱۵

برداشتن کام فرزندان با آب فرات و تربت امام حسین (ع)

قال الصادق(ع): حَنُّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُوبَةِ الْحُسَيْنِ (ع) فَإِنَّهَا أَمَانٌ

حضرت صادق(ع) فرمود: کام فرزندان را با تربت امام حسین(ع) بردارید که امان خواهد بود. (۱) ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) الْفُرَاتَ فَقَالَ أَمَّا إِنَّهُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَ مَا حُنَّكَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ

ص: ۷۶

الْبَيْتِ

امام صادق (ع) وقتی ذکر فرات شد فرمود: اما او از شیعیان علی (ع) است و هر کس که کامش را با فرات بردارند ما اهل بیت را دوست می‌دارد. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- شروع تربیت فرزندان قبل از تولد آنان.

۲- مستحبات زمان ولادت فرزندان و حقوق ایشان بر والدین.

۳- تربیت فرزندان بر اساس قرآن و محبت اهل بیت (ع).

هر چند که نه حرّ نه زهیرند، حسین در عشق تو بیگانه ز غیرند، حسین

آنان که محبت تو در دل دارند پیداست که عاقبت بخیرند، حسین

وفایی

ص: ۷۷

زائران امام حسین (ع) کجايند؟

قال الصادق(ع): إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ زُورُ الْحُسَيْنِ فَيَقُومُ عَنْقُ مِنَ النَّاسِ فَيَقُولُ لَهُمْ مَا أَرَدْتُمْ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ (ع) فَيَقُولُونَ أَتَيْنَاهُ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ حُبًّا لِعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ (س) وَ رَحْمَةً لَهُ مِمَّا ارْتُكِبَ مِنْهُ فَيَقُولُ لَهُمْ: هَذَا مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَالْحَقُوا بِهِمْ فَأَنْتُمْ مَعَهُمْ فِي دَرَجَتِهِمْ

ص: ۷۸

الْحَقُّوا بِلَوَاءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَيَكُونُونَ فِي ظِلِّهِ وَهُوَ فِي يَدِ عَلِيٍّ (ع) حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ جَمِيعاً

امام صادق (ع) فرمود: وقتی روز قیامت شود منادی ندا می‌دهد: زوّار حسین کجایند؟

گروهی از مردم بر می‌خیزند.

منادی می‌گوید: از زیارت حسین (ع) چه قصدی داشتید؟

گویند: به خاطر محبت به رسول خدا (ص) و علاقه و محبت به علی (ع) و فاطمه (س) و بر مصائب او دلی سوزان داشتیم.

منادی گوید: این محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) است، پس ملحق شوید به ایشان. شما در بهشت هم

درجه ایشان هستید.

آنان به پرچم رسول خدا (ص) که در دست علی (ع) است ملحق می‌شوند و در تحت سایه او قرار می‌گیرند تا این که همه وارد

بهشت می‌شوند. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- محشور شدن هر محبّ با محبوب خود.

۲- هر آنگونه زندگی کنیم به همان گونه مرگ و حشر ما رقم می‌خورد.

۳- شفاعت اهل بیت: در قیامت نسبت به دوستانشان.

ماییم نسیم خانه بر دوش حسین چون کعبه شب و روز سیه پوش حسین

گر روز جزا ز ما بپرسند که اید؟ گوئیم غلام حلقه بر گوش حسین

وفایی

ص: ۷۹

حشر با ائمه (ع)

قال الصادق(ع): مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي جَوَارِ نَبِيِّهِ وَ جَوَارِ عَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ (ع).

امام صادق(ع) فرمود: هر کس دوست دارد که در جوار پیامبر(ص) و علی(ع) و فاطمه(س) باشد زیارت حسین(ع) را رها نکند. (۱)

قال الصادق(ع):

أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ، أَنْ تَحَجَّ عَشْرِينَ حَجَّةً وَ تَعْتَمِرَ عَشْرِينَ عُمْرَةً أَوْ تُحَشَرَ مَعَ الْحُسَيْنِ (ع)؟ فَقُلْتُ: لَا، بَلْ أُحْشَرُ مَعَ الْحُسَيْنِ (ع).

قَالَ: فَزُرْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع).

امام صادق(ع) فرمود: کدام یک نزدت محبوبتر است، این که بیست حج یا بیست عمره انجام دهی یا این که با حسین(ع) محشور شوی؟

راوی گوید: عرض کردم: خیر، بلکه با حسین(ع)

ص: ۸۰

محشور شوم در نزد من محبوبتر است. فرمود: پس حسین(ع) را زیارت کن. [\(۱\)](#) موضوع پیشنهادی:

۱- حفظ و بقای اسلام در پرتو شهادت امام حسین(ع).

۲- عوامل عاقبت به خیری و حشر با ائمه(ع).

۳- علت برتری زیارت بر حج و عمره(زیارت امام حسین(ع) و توجه به قیام و فلسفه آن، روح، معنا و حقیقت

۱- وسائل الشیعه ۵ / ۳۴۸

ص: ۸۱

بخش اعمال دیگر).

هر چند مرا بال و پر طبری نیست در اوج ولایت سفر و سیری نیست
عمری است که عاشق حسینم زیرا در عمر بدون عشق او خیری نیست

ص: ۸۲

میهمان بهشتیان

قال الصادقُ (ع): مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (ع) وَهُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شَيْعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشَيْعَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ ضَيْفَانُ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

امام صادق (ع) فرمود: هر کس به زیارت قبر حسین (ع) نرود (در حالی که گمان می کند از شیعیان ماست) تا وقتی که بمیرد، او از شیعیان ما نیست و اگر از اهل بهشت هم باشد در حقیقت میهمان بهشتیان است

ص: ۸۳

(بهشت برایش عاریه است نه اینکه اهل آنجا باشد) (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- درجات بهشت بر مبنای اعمال و عبادات در دنیا (بی رنج، گنج میسر نمی شود).

۲- در عبادات به بالاتر و در مادیات به پایین تر از خود بنگریم.

۳- در رشد معنوی به کم قانع نشویم.

دل را ز حسین اگر بگیرم چه کنم بی عشق حسین اگر بمیرم چه کنم

فردا که کسی را به کسی کاری نیست دامن حسین اگر نگیرم چه کنم

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۳۳۶

ص: ۸۴

حضرت عباس (ع) (عبد صالح)

قال الحسين (ع): ارْكَبْ بِنَفْسِي أَنْتَ حَتَّى تَلْقَاهُمْ وَ تَقُولَ لَهُمْ عَمَّا جَاءَكُمْ وَمَا الَّذِي تُرِيدُونَ.

امام حسین (ع) فرمود: سوار بر مرکب شو جانم به فدایت، تا این قوم را ملاقات کنی و از ایشان بپرس برای چه آمده‌اند و چه می‌طلبند؟ (۱)

۱- مصائب آل محمد / ۲۴۰ به نقل از نفس المهموم / ۱۱۳ / ارشاد مفید ۲ / ۹۲

ص: ۸۵

(حداقل دوبار در کربلا عبارت «بنفسی انت» از حضرت حسین بن علی (ع) درباره حضرت عباس (ع) صادر شده است.)
 قال الامام السجاد(ع): رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وَ أَبْلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنزِلَةً يَغِطُّهَا بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

حضرت سجاد(ع) فرمود: خداوند(عمویم) عباس را رحمت کند، همانا برادرش را بر خود ترجیح داد و با جانش در راه او فداکاری کرد تا این که دو دستش قطع شد و خداوند عوض آن، دو بال به او عنایت کرد که در بهشت همراه ملائکه پرواز می کند، آن چنان که جعفر بن ابیطالب چنین است و همانا برای عمویم عباس در نزد خداوند منزلت و جایگاهی است که جمیع شهدا در روز قیامت به آن غبطه می خورند. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- بالاترین مقام، عبد خدا بودن و پرهیز از بندگی غیر خدا(شیطان، پول و غیره).

۲- راه رسیدن به عبودیت حقیقی(عوامل و

۱- مصائب آل محمد / ۳۱۱ به نقل از سفینه البحار ۲ / ۱۵۵

ص: ۸۶

رفع موانع).

۳- صفات و ویژگی‌های اخلاقی و روحی حضرت عباس (ع).

تویی عباس آب آور من صفای سینه غم پرور من
گرفته اشک چشمان ترم را کجا افتاده‌ای آب آور من

وفایی

ایثار وفا از تو اصالت دارد ایمان و شرف از تو جلالت دارد
در ساحل علقمه نوشتند به خون دریا زلبان تو خجالت دارد

وفایی

عباس دلی که پای بست تو بود مشتاق لقای حق پرست تو بود
امروز چه کرده‌ای که فردا زهرا(س) اسباب شفاعتش دو دست تو بود

ص: ۸۷

حضرت علی اکبر (ع)

در مسیر راه کربلا، در منزل ثعلبیه، حضرت امام حسین (ع) در خواب دید که هاتفی می گوید: شما می روید و مرگ شما را به سوی بهشت می برد.

وقتی از خواب بیدار شد خواب خود را برای همراهان باز گو کرد. در این هنگام فرزندش علی اکبر چنین گفت:

یا اَبه اَوْ كَسْنَا عَلٰی الْحَقِّ؟

فقال: بلی یا بُنّی وَ الَّذی اِلَیْهِ مَرْجِعُ الْعِبَادِ!

ص: ۸۸

فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَهٗ إِذْنٌ لَّا تُبَالِي بِالْمَوْتِ
فَقَالَ الْحُسَيْنُ (ع): فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا بُنَّيَّ خَيْرٌ مَا جَزَا وَلَدًا عَنْ وَالِدِهِ.

ای پدر آیا ما بر حق نیستیم؟

فرمود: قسم به آن که بندگان به سوی او بر می گردند، ما بر حقیق ای پسر.

علی اکبر گفت: پس هیچ باکی از مرگ نداریم. امام حسین (ع) فرمود: خداوند به تو بهترین جزا و پاداش را کرم کند. (۱) ... ثُمَّ

نَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرَةً آيِسٍ مِنْهُ وَ أَرْحَى عَيْنِيهِ وَ بَكَى ثُمَّ قَالَ الْحُسَيْنُ (ع)

اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهَ النَّاسَ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ وَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْهِ.

.... سپس نگاهی ناامیدانه به او کرد و چشمش از اشک پر شد و گریست و فرمود:

خدایا شاهد باش که جوانی به سوی این قوم می رود که شبیه ترین مردم از جهت خلقت و اخلاق و منطق به رسولت بود و ما هر گاه

مشتاق دیدار رسول خدا می شدیم به او نگاه می کردیم. (۲)

۱- مصائب آل محمد / ۱۳۲

۲- همان / ۳۱۱ به نقل از سفینه البحار ۲ / ۱۵۵

ص: ۸۹

موضوع پیشنهادی:

- ۱- صفات پیامبر اکرم (ص) (اخلاق، تواضع، مدارا و ...).
 - ۲- سه فرزند حضرت امام حسین (ع)، هر سه بنام «علی» (علل و انگیزه ها).
 - ۳- پاکی و اعتقاد راسخ در جوانی (جوانان و الگوهای کامل، جوانان و هدف‌های برتر و ..).
- ما حال گل و ابر بهاری داریم از دیده خویش اشک جاری داریم
امروز ز داغ اکبرش می‌سوزیم فردا ز حسین چشم یاری داریم

ص: ۹۰

زینب که شکسته بال و پر دید مرا در پرده‌ای از خون جگر دید مرا
از خیمه دوید و جان به جسمم بخشید تا چهره به چهره پسر دید مرا

ص: ۹۱

حضرت علی اصغر (ع)

وقتی که امام حسین (ع) داغ شهادت خاندان و فرزندان خود را دید فریاد زد:

هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟ ...

آیا کسی هست از حرم رسول خدا (ص) دفاع کند؟

ناله بانوان حرم برخاست. امام (ع) به خیمه‌ها آمد و فرمود:

ناولونی علیاً الطفلَ حتّٰی اودّعه فجعَل یقبَلُهُ

ص: ۹۲

وَيَقُولُ: وَيْلٌ لِّهَؤُلَاءِ الْقَوْمِ إِذَا كَانَ خَصْمُهُمْ جَدًّا..

کودکم را بیاورید تا وداعش کنم. حضرت او را می بوسید و می فرمود: بدا به حال این قوم، آنگاه که جدّ تو با ایشان مخاصمه کند.

علی اصغر در آغوش حضرت بود که حرمله بن کاهل تیری افکند و گلوی او را درید. امام(ع) خون او را به کف دست گرفت، چون پر شد، به آسمان افشانند و فرمود: «خدایا چنانچه اینک پیروزی ما مقدر نیست، آن را بهترین توشه ما بساز.»

علامه مجلسی می افزاید امام حسین(ع) فرمودند:

«هُوَ عَلِيٌّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بِعَيْنِ اللَّهِ»

هر مصیبتی را که بر من فرود آمده، از این که در محضر خداست، آسان می کند.

امام باقر(ع) فرمود:

از آن خون که بر آسمان افشانند، قطره‌ای به زمین برنگشت. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- عالم محضر خداست.

۲- علی اصغر، سند مظلومیت امام حسین(ع)

۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع) / ۵۳۲

ص: ۹۳

و شقاوت دشمنان.

اصغر که نسیم عشق مویش بوسید خورشید ولایت سر و رویش بوسید
می‌خواست حسین تا بوسد لب او تیر آمد و زودتر گلویش بوسید

اگرچه سینه را غم می‌خراشد مرا با حرمله کاری نباشد
اگرچه تا قیامت اشکبارم ولی من یک سخن با تیر دارم
چرا ای تیر بر حنجر نشستی بر آن بی بال و پر تا پرنشستی
چه می‌شد کاشکی سرگشته بودی به قلب حرمله برگشته بودی

ص: ۹۴

جوابی داد و بر درد من افزود به اشک گرم و آه سردم افزود
نه تنها چهره او دیدنی بود گلوی نازکش بوسیدنی بود
بگفتم گرچه قصد بوسه کردی گرفتی بوسه باید بازگردی
بگفتا بس که بُد شیرین شمایل از او بگرفتن دل بود مشکل
بگفتا تا ابد همراز دردم چو بیرون آمدم خون گریه کردم

ص: ۹۵

تَلَّ زَيْنَبِيَّه

قال السَّجَّاد(ع): يَا عَمَّةُ اشْكُتِي فِي الْبَاقِي مِنَ الْمَاضِي اعْتِبَارًا وَ أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ.

امام سجّاد(ع) فرمود: ای عمه آرام بگیر، برای آینده از گذشته عبرت‌هاست و تو به حمدالله دانشمند فهیم و آگاهی هستی که تعلیم ندیده‌ای.

ص: ۹۶

آنگاه که ابن عباس از امام حسین (ع) پرسید: چرا زنها را می‌بری؟ زینب (س) به او بانگ زد و فرمود:

يَا بْنَ عَبَّاسٍ تُشِيرُ عَلَيَّ شَيْخِنَا وَ سَيِّدِنَا أَنْ يُخْلِفَنَا هَيْهُنَا وَ يَمْضِي وَ خَدُّهُ؟ لَا وَ اللَّهُ بَلْ نَحْيَا مَعَهُ وَ نَمُوتُ مَعَهُ وَ هَلْ أَبْقَى الزَّمَانُ لَنَا غَيْرَهُ؟

ای پسر عباس: نظر می‌دهی که ما را در مدینه بگذارد و حسین تنها رهسپار شود! نه به خدا قسم، بلکه با او زنده‌ایم و با او می‌میریم و آیا روزگار غیر از او برای ما کس دیگری را گذاشته است؟ (او یادگار گذشتگان از اهل بیت است) (۱) و آنگاه که ابن زیاد از او

پرسید: واقعه کربلا (که خدا مردان شما را کشت و شما را اسیر ما گردانید) را چگونه می‌بینی؟

زینب (س) فرمود من از خدا جز زیبایی چیز دیگری ندیدم، آنان قومی بودند که خداوند بر ایشان سعادت ابدی را نوشته بود و در

مقام خود قرار گرفتند و در روز قیامت در پیشگاه خداوند با تو مخاصمه خواهند کرد. (۲)

۱- خصائص زینبیه، ترجمه / ۱۹۶

۲- الملهوف / ۲۰۱

ص: ۹۷

موضوع پیشنهادی:

- ۱- بیان فضائل حضرت زینب(س) الگوی زنان با ایمان.
 - ۲- صفات و ویژگی‌های حضرت زینب(س)(توکل و تسلیم، علم، رضایت به حکم خدا و زیانگری حکمت‌های الهی و ...).
 - (س)- نقش زنان و مادران در تبلیغ دین و انتقال فرهنگ صحیح به دیگران.
- دیدم آخر آنچه را باور نبود شادم جز دیدگان تر نبود

ص: ۹۸

در همان وقتی که افتادی به خاک قلب من از داغ تو شد چاک چاک
دستی از دشمن به سویت آمدند گرد تو چون خار و خس حلقه زدند
گاهی از راه ستم تیرت زدند گه سنان و گاه شمشیرت زدند
زینب از روی بلندی دیده است پیکرت در خاک و خون غلطیده است
چهره‌ات بر روی خاک تیره بود سوی خیمه چشم‌هایت خیره بود
شد بلند از مقتل تو هممه گاه من نالیدم و گه فاطمه
این مصیبت را کسی باور نداشت پیکرت بر خاک بود و سر نداشت
با همان دستی که زهرا را زدند در کنار جسم تو ما را زدند
وفایی

ص: ۹۹

قتلگاه

در روز عاشورا امام حسین (ع) جهاد بی نظیری کرد که جمعیت کثیری را کشت و تعداد فراوانی را مجروح کرد. عمر بن سعد به لشکریانش گفت: وای بر شما آیا می دانید با چه کسی می جنگید؟ این فرزند آن سرافراز پرتوان و فرزند آن کشته دلاوران عرب است. از هر سو به او حمله کنید. چهار هزار تیر انداز از هر سو به او تیر افکندند و میان امام و خیمه ها حایل شدند (و آهنگ حرم کردند) آنگاه امام (ع) فریاد زدند:

ص: ۱۰۰

وَيَحْكُمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سَفِيَّانَ! إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَكُنْتُمْ لِمَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ وَارْجِعُوا إِلَيَّ أَحْسَابَكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْرَاباً.

«وای بر شما ای پیروان آل ابی سفیان، اگر دین ندارید و از معاد نمی‌هراسید در دنیای خود آزاده باشید اگر شما- چنانکه می‌پندارید عرب هستید به آئین نژاد خود رفتار کنید.» (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- حقیقت آزادی، آزادی از قید نفسانیات.

۲- تأثیر لقمه حرام در عدم پذیرش حق.

نوی آب آبت آتشم زد نگاه بی جوابت آتشم زد

کنار پیکر تو سوختم من تن در آفتاب آتشم زد

وفایی

نامه بنوشتند تا در کوفه مهمانش کنند یا بر او بندند آب و منع از نانش کنند

نامه بنوشتند بر آن کعبه کارندش نماز یا صلوات جمعه جمع آیند و قربانش کنند

ص: ۱۰۱

نامه بنوشتند تا ساینده سر بر مقدمش یا به وقت جان سپردن سنگ بارانش کنند
نامه بنوشتند کاندرا راه او جان بسپرنده یا به نوک نی سر چون ماه تابانش کنند
نامه بنوشتند تا در سایه‌اش دارند جای یا میان آفتاب گرم عریان‌ش کنند
نامه بنوشتند تا در خاک پایش سر دهند یا ز سم اسب کین با خاک یکسان‌ش کنند
نامه بنوشتند تا در بیعتش آرند دست یا که دست او جدا از جسم بی جان‌ش کنند
نامه بنوشتند کارندش غلام از مصر و شام یا کنیزی خواهش از اطفال حیرانش کنند
جودیا نشینده‌ام رأسی که از تن شد جدا چوب کین گیرند و قصد در دندان‌ش کنند

ص: ۱۰۲

خیمه‌گاه

قال الحسين (ع): بِنَفْسِي أَنْتَ يَا أُخِي وَاسْتَمَّهَلَهُمْ هَيْدِهِ الْعَشِيَّةَ إِلَى غَدٍ لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَتَغَفَّرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ

امام حسین (ع) فرمود: جانم به فدایت ای برادر، از ایشان امشب تا صبح را مهلت بگیر شاید که ما نماز بگذاریم و دعا و استغفار کنیم و خدا می‌داند که من نماز و تلاوت قرآن و زیادی دعا و استغفار را دوست دارم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- اهمیت نماز و استغفار و تلاوت قرآن.

۲- به دست آوردن دنیا به چه قیمتی؟! (غارت خیمه‌ها توسط دشمنان و جمع غنائم و ...).

در خلوت دل محرم راز است حسین بر خلق زمانه چاره ساز است حسین

۱- نفس المهموم / ۱۱۳، مصائب آل محمد / ۲۴۰، به نقل از ارشاد مفید / ۲ / ۹۲

ص: ۱۰۳

غافل مشو از سلام او وقت نماز چون کشته احیای نماز است حسین

ثابت

اگر باران تیر و نیزه بارد دلم از جان سپردن غم ندارد
مرا وقت شهادت هست این غم که دشمن در خیامم پا گذارد

وفایی

ص: ۱۰۴

سدره المنتهی

سدره المنتهی، محل سخن گفتن امام حسین (ع) با عمر بن سعد، که در نزدیکی مقام علی اکبر (ع) واقع است.

خیمه‌ای بین دو لشکر زده شد، امام حسین (ع) و عمر بن سعد در آن خیمه به سخن پرداختند.

قال الحُسينُ (ع): وَيَحِيكَ امَا تَتَّقِي اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ مَعَادُكَ؟ اَتَقَاتِلُنِي وَ اَنَا ابْنُ مَنْ عَلِمْتَ؟ يَا هَيْدَا ذُرَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ وَ كُنْ مَعِيَ فَإِنَّهُ أَقْرَبُ لَكَ مِنَ اللَّهِ.

امام حسین (ع) فرمودند: وای بر تو آیا از خدایی که به سوی او می‌روی نمی‌ترسی؟

آیا با من می‌جنگی و حال آن‌که می‌دانی من فرزند چه کسی هستم؟

این قوم را رها کن و با من باش که به خدا نزدیک تر خواهی بود

قال عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ: أَحَافُ أَنْ تُهْدَمَ دَارِي؟

ص: ۱۰۵

عمر بن سعد گفت: می‌ترسم خانه‌ام خراب شود.
قال الحُسَيْنُ (ع): أَنَا ابْنُهَا لَكَ.

امام حسین (ع) فرمود: من خانه‌ات را می‌سازم.
قال عُمَرُ: أَخَافُ أَنْ تُؤْخَذَ ضَيْعَتِي.

عمر سعد گفت: می‌ترسم اموالم را ببرند.

قال الحُسَيْنُ (ع): أَنَا أَخْلِفُ عَلَيْكَ خَيْرًا مِنْهَا مِنْ مَالِي بِالْحِجَازِ.

امام (ع) فرمود: من برای تو بهتر از آن را از اموال خود در حجاز می‌دهم.

ص: ۱۰۶

قَالَ عُمَرُ: لِي عِيَالٌ أَخَافُ عَلَيْهِمْ.

عمر سعد گفت: بر زن و بچه‌هایم می‌ترسم.

قَالَ الْحُسَيْنُ (ع): أَنَا اضْمَنْ سَلَامَتَهُمْ.

امام (ع) فرمود: من سلامت ایشان را تضمین می‌کنم.

عمر سعد دیگر چیزی نگفت: امام (ع) (چون اتمام حجت را در او کارگر ندید) از او روی برگردانید و فرمود:

.... مَيَّا لَمَكَ دَبْحِيكَ اللَّهُ عَلَى فِرَاشِكَ سَرِيحًا عَاجِلًا وَ لَا غَفْلَةً يَوْمَ حَشْرِكَ وَ نَشْرِكَ فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ لَا تَأْكُلَ مِنْ بُرِّ الْعِرَاقِ إِلَّا يَسِيرًا.

.... تو را چه شده! خدا به زودی بر بسترت بکشد و در روز حشر و نشت نیامرزد! به خدا سوگند امیدوارم از گندم عراق (ری) جز اندکی نخوری.

ابن سعد با استهزا گفت: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فِي الشَّعِيرِ خَلْفًا، به جای گندم، جو می‌خورم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- عاقبت بخیری (عمر بن سعد اهل بیت شناس بود اما ...).

۲- راه‌های نفوذ شیطان.

۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسین ۷۴۳۶

ص: ۱۰۷

۳- زمینه های گناه را برطرف کردن و دوری از محبت دنیا.

ص: ۱۰۸

اصحاب امام حسین (ع)

اصحاب امام حسین (ع)

قَالَ الْحُسَيْنُ (ع): أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَصْحَابًا خَيْرًا مِنْكُمْ وَلَا أَهْلَ بَيْتٍ أَفْضَلَ وَأَبْرَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي جَمِيعًا خَيْرًا ...

امام (ع) فرمود: من اصحابی بهتر از شما و اهل بیتی برتر و نیکوتر از اهل بیتم سراغ ندارم، خداوند به شما جزای خیر عنایت کند.

بعد حضرت فرمود: اینان مرا می‌خواهند شما هر کدام که می‌خواهید بروید آزادید. این قوم غیر من را نمی‌طلبند.

اصحاب یکی پس از دیگری بر می‌خاستند و بر یاری امام (ع) تأکید می‌کردند.

اولاد عقیل مسلم بن عوسجه سعید بن عبدالله زهیر بن قین و ... با سخنانی بر جانفشانی در راه حضرت و اعتقاد پاک خود تأکید

کردند. (۱)

ص: ۱۰۹

موضوع پیشنهادی:

۱- امروز هم می‌توانیم یار امام حسین (ع) باشیم (سخن جابر در روز اربعین).

۲- ویژگی یاران واقعی امام حسین (ع) و امام زمان (عج).

۳- امتحانات سخت برای مردم!

در روی حسین نور حق می‌دیدند بر مرگ چو غنچه همه می‌خندیدند

هفتاد و دو پروانه شب عاشورا گرد سر شمع عشق می‌گردیدند

تا در ره دوست پای بنهاد حسین برخاست علیه ظلم و بیداد، حسین

در گلشن کربلا برای اسلام هفتاد و دو لاله پرورش داد حسین

ص: ۱۱۰

حیب بن مظاهر

قال الحُسين (ع): لِلَّهِ دَرُكٌ يَا حَبِيبُ لَقَدْ كُنْتُ فَاضِلًا تَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلِهِ وَاحِدَةً.

امام (ع) فرمود: آفرین بر تو ای حیب، تو شخص فاضلی بودی که در یک شب قرآن را ختم می کردی.

قال ابو مخنف: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ قَيْسٍ لَمَّا قَتَلَ حَبِيبُ بْنُ مُظَاهِرٍ هَدَىٰ ذَلِكُ حُسَيْنًا وَقَالَ عِنْدَ ذَلِكَ: اِحْتَسِبُ نَفْسِي وَحُمَاهُ أَصْحَابِي.

ابومخنف گوید: محمد بن قیس نقل کرده که چون

ص: ۱۱۱

حبیب بن مظاهر به شهادت رسید، چهره امام حسین(ع) در هم شکست و فرمود: پاداش خود و یاران حامی خود را به حساب خدا می‌گذارم. (۱) موضوع پیشنهادی:

- ۱- خوبان، زیبا زندگی کردند و زیبا و سعادت‌مند رفتند.
- ۲- تأیید اعمال و رفتار توسط امام عصر(عج)،(راه‌ها، موانع و ..).
- ۳- امام(ع) یاران پاک و مایه آبرو می‌خواهد!

۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسین ۷/ ۵۰۲ و ۵۰۳

ص: ۱۱۲

حر بن یزید ریاحی

حر بن یزید ریاحی

بعد از این که امام حسین (ع) بر بالین حرّ نشست خاک‌ها را از صورت او پاک کرد و فرمود:

أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سَمَّيْتَكُ أُمَّكَ، حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَ حُرٌّ الْآخِرَةَ.

تو آزادی آن‌چنان که مادرت تو را حرّ نامید، آزاد در دنیا و آزاد آخرت هستی.

بعد از این که پشیمان شد و به سوی خیمه‌های امام حسین (ع) آمد به حضرت عرض کرد:

ص: ۱۱۳

وَ اللَّهُ مَا ظَنَنْتُ أَنْ الْقَوْمَ يَبْلُغُونَ بِكَ مَا أَرَىٰ وَ أَنَا تَائِبٌ إِلَى اللَّهِ فَهَلْ تَرَىٰ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟
فَقَالَ الْحُسَيْنُ (ع): نَعَمْ، يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْكَ فَأَنْزَلَ.

و الله گمان نمی‌کردم که این قوم با تو چنین کنند، من به سوی خدا توبه می‌کنم آیا توبه‌ام پذیرفته می‌شود؟
امام فرمودند: بلی خداوند توبه‌ات را می‌پذیرد، فرود آی. (۱) موضوع پیشنهادی:

- ۱- امید به لطف خدا و عدم یأس از رحمت الهی.
 - ۲- پذیرش حرّ توسط امام حسین (ع) و عدم سرزنش او نسبت به خطاهای قبل (دوری از سرزنش مؤمن و ..).
 - ۳- تدبّر و تفکر صحیح، انتخاب درست و به موقع و عدم توجه به سخن بداندیشان، سبب عاقبت بخیری است.
- السلام ای رکن دین، روح نماز بر درت آورده‌ام روی نیاز
ای به بحر درد و ماتم نوح من ای شفای سینه مجروح من
آدمم سوی تو معذور آمدم با دلی پر درد و رنجور آمدم

ص: ۱۱۴

بی تو کی پیمانہ‌ای پر می‌شوم گرچه حرّم با تو من حر می‌شوم
ز به عشق خویش مجنونم مکن از در این خانه بیرونم مکن
لطف بر غمناکیم کن یا حسین خاکیم، افلاکیم کن یا حسین

ص: ۱۱۵

بخش چهارم: کاظمین و سامرا

اشاره

زیارت امام کاظم(ع)
زیارت امام هادی و امام عسکری(ع)
سرداب و محل غیبت امام عصر(عج)
محمد بن علی الهادی(ع) معروف به
سید محمد

ص: ۱۱۷

زیارت امام کاظم (ع)

زیارت امام کاظم (ع)

سَأَلْتُ الرَّضَا (ع): عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ هَلْ هِيَ مِثْلُ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) قَالَ: نَعَمْ.

راوی گوید: از امام رضا (ع): پرسیدم آیا زیارت قبر پدرتان مثل زیارت قبر حسین (ع) است؟

فرمود: بلی. (۱) ابو نجران قال: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَمَّنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَاصِدًا قَال: لَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ (ع) فَلَهُ الْجَنَّةُ.

ابو نجران گوید: از امام جواد (ع) پرسیدم از ثواب کسی که قصد زیارت رسول خدا (ص) کرده است.

فرمود: بهشت برای اوست و هر کس قبر امام کاظم (ع) را زیارت کند نیز بهشت برای اوست. (۲) موضوع پیشنهادی:

۱- خشم و آثار سوء آن (ضررهای روحی)

۱- وسائل الشیعه ۴۲۷/۱۰

۲- همان ۴۲۹/۱۰

ص: ۱۱۸

و جسمی و ..).

۲- راه‌های غلبه بر خشم.

۳- با عمل، دیگران را به خوبی‌ها دعوت کنید!

من در این کنج قفس غوغای محشر می‌کنم پیروی از مادرم زهرای اطهر می‌کنم

گرچه در قید غل و زنجیر می‌باشم ولی استقامت در بر دشمن چو حیدر می‌کنم

ص: ۱۱۹

گاه سندی می‌زند سیلی به رویم یاد سیلی خوردن خاتون محشر می‌کنم
گر ز پا و گردن رنجور من خون می‌چکد یاد میخ و سینه مجروح مادر می‌کنم

ای مهر سپهر عشق و امید جواد نور تو دهد جلوه به خورشید جواد
جایی که تویی کریم، مسکین نشود از درگه رحمت تو نومید جواد
وفایی

ص: ۱۲۰

سلمان فارسی (مدائن)

سلمان فارسی در شهر مدائن

منصور بن بَزْرَج گوید: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (ع) مَا أَكْثَرَ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ سَيِّدِي ذِكْرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ.
فَقَالَ (ع) لَا تَقُلْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ لَكِنْ قُلْ سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِيِّ، أ تَدْرِي مَا كَثُرَتْ ذِكْرِي لَهُ؟
قُلْتُ: لَا

ص: ۱۲۱

قَالَ: لِثَلَاثِ خِلَالٍ:

إِحْدَاهَا إِيْتَارُهُ هَوَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَلَىٰ هَوَىٰ نَفْسِهِ
وَالثَّانِيَةُ حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَاخْتِيَارُهُ إِيَّاهُمْ عَلَىٰ أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَالْعُدَدِ
وَالثَّالِثَةُ حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَالْعُلَمَاءِ

إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ).

منصور بن بزرگ گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: چه بسیار می‌شنوم که از سلمان فارسی یاد می‌کنی!

حضرت فرمود: نگو سلمان فارسی، بلکه بگو: سلمان محمدی، آیا می‌دانی چرا؟

عرض کردم: نه.

فرمود: به خاطر سه خصلت:

۱- او خواسته امیرالمؤمنین (ع) را بر خواسته خود ترجیح داد.

۲- فقرا را دوست داشت و آنها را بر اهل ثروت و قدرت اختیار کرد.

۳- علم و علما را دوست داشت.

سلمان عبد صالح و مسلمان پاکی بود و از مشرکین نبود. (۱) در فضیلت سلمان روایات زیادی رسیده است، از جمله:

۱- پیامبر ۶ و علی (ع)، از علم مخزون الهی که دیگران تحمل آن را نداشتند، به سلمان

ص: ۱۲۲

می آموختند.

۲- اگر ابوذر می دانست آنچه در قلب سلمان (از معارف الهی) است، هر آینه او را (به جرم ارتداد یا سحر) می کشت.

۳- او مردی است که خاکش از خاک ما و روحش از روح ماست.

۴- سلمان از من است هر کس به او جفا کند به من جفا کرده است و هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است ...

۵- او اسم اعظم می دانست و فرشتگان با او سخن می گفتند ...

ص: ۱۲۳

برادر سلمان

جوانی کوره آهنگری را دید و از ترس قیامت غش کرد، مردم گمان کردند او مرض صرع دارد، وی گفت: به یاد آیه شریفه (وَلَهُمْ مَقَامُعٍ مِّنْ حَدِيدٍ) (۱) افتادم این حالت به من دست داد. سلمان او را به برادری انتخاب کرد، وقتی مرگ جوان نزدیک شد، سلمان در کنار بسترش حاضر شد، به ملک الموت گفت: يَا مَلَكَ الْمَوْتِ اِرْفُقِي بِاخِي. ای فرشته با برادرم مدارا کن. او جواب داد یا ابا عبدالله (کنیه سلمان) اِنِّي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ رَفِيقٌ. من با هر مؤمنی مدارا می‌کنم. (۲) موضوع پیشنهادی:

- ۱- رسیدن به کمالات معنوی در مدت کم.
- ۲- عوامل تأثیر گذار در رشد معنوی انسان (اراده قوی دوست و مشاور کامل و مطمئن و ...).
- ۳- صبر و تحمل در راه رسیدن به هدف.

یاد تو مرا ذکر و عبادت شده است دلداده تو اهل سعادت شده است
با یاد تو ای همیشه جاوید، دلم کانون محبت و ارادت شده است
وفایی

۱- و برای [وارد کردن ضربت بر سر] آنان گُرزهایی آهنین است.

۲- سفینه البحار ۲/ ۷۰۴

ص: ۱۲۴

زیارت امام هادی و امام عسکری (ع)

زیارت امام هادی و امام عسکری (ع)

قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ (ع): قَبْرِي بِسُرٍّ مَنْ رَأَى أَمَانًا لِأَهْلِ الْجَانِبَيْنِ

امام حسن عسکری (ع) فرمود: قبرم در سامرا امان است برای اهل هر دو جانب (شرق و غرب) (۱)

زیارت از طرف ائمه (ع)

ص: ۱۲۵

قُلْتُ لَهُ يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ (ع) إِنِّي زُرْتُ أَبَاكَ وَ جَعَلْتُ ذَلِكَ لَكُمْ فَقَالَ لَكَ مِنَ اللَّهِ أَجْرٌ وَ ثَوَابٌ عَظِيمٌ وَ مِنَّا الْمُحَمَّدَةُ.
 داوود صرمی گوید: به امام هادی (ع) عرض کردم: من پدرت را زیارت کردم و ثوابش را برای شما قرار دادم. فرمود: برای تو به این وسیله ثواب و اجر عظیم است و سپاسگزاری هم از جانب ما خواهد بود. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- بیان تاریخ امامان معصوم (ع) و فشار حاکمان بر شیعیان.

۲- آماده سازی شیعیان برای عصر غیبت امام زمان (عج).

۳- بیان سیره ائمه (ع) در ارجاع شیعیان به عالمان دین (رجوع به مجتهدین و آگاهان به حلال و حرام).

ای آنکه بود به سینه ها مأوایت جان و دل ما فدایی غم‌هایت

تا آنکه جبین به خاک کویت ساییم ما را به طلب به کوی سامرایت

ص: ۱۲۶

بیا ای غم، دلم را رهبری کن ز شادی‌ها دل ما را بری کن
وجودم را به بحر غصه بنشان مرا غرق عزای عسکری کن

ص: ۱۲۷

سرداب و محل غیبت امام عصر (عج)

سرداب و محل غیبت امام عصر (ع)

قال الصادق (ع): مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُشَيْطَاطِهِ لَا بَلْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الصَّارِبِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالسَّيْفِ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: هر کس در حال انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) بمیرد مثل کسی است که در خیمه حضرت بوده باشد. نه، بلکه مثل کسی است که در کنار پیامبر خدا (ص) در دفاع از دین شمشیر زده باشد.

ابوغانم خادم، صاحب کتاب غیبت گوید: فرزند امام عسکری متولد شد، اسم او را محمد گذاشت و روز سوم به اصحابش نشان داد و فرمود:

هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِانْتِظَارِ فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا.

ص: ۱۲۸

این امام شما بعد از من و جانشین من بر شماست. او قیام کننده ای است که مردم بسیار انتظار او را می کشند وقتی زمین پر از جور و ظلم گردید، قیام نموده، زمین را پر از عدل و داد می کند. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- انتظار و آثار آن.

۲- وظایف شیعیان در عصر غیبت امام عصر (عج) (منتظرین واقعی و ...).

۳- امام زمان (عج) در روایات اهل سنت.

۱- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر ص ۴۱۱ / ینایع الموده / ۴۶۰

ص: ۱۲۹

ای گل تو بیا بار دگر رأفت کن با خسته دل هجر رخت صحبت کن
هر چند که لایق نیم اما تو مرا یک شب به تماشای رخت دعوت کن

ای کاش که خواب وصل تعبیر شود آوازه حسن تو جهان گیر شود
بر بام رسیده آفتاب عمرم ترسم به خدا نیایی و دیر شود

با زمزمه، بزم عشق را گرم کنید با ناله، قلوب سخت را نرم کنید
اینقدر چرا روید دنبال گناه از روی امام عصر خود شرم کنید

ص: ۱۳۰

سید محمد (ع) محمد بن علی الهادی (ع) معروف به سید محمد.

امام عسکری (ع) در عزای برادرش سید محمد (ع) گریبان چاک داد وقتی از علت آن سؤال شد فرمودند

قَدْ شَقَّ مُوسَى عَلَيَّ أَخِيهِ هَارُونَ

موسی (ع) هم در عزای برادرش هارون گریبان چاک داد.

ص: ۱۳۱

سید محمد (ع) در نزدیک سامرا مدفون است و قبرش مشهور و مورد زیارت شیعیان و دوستان اهل بیت (ع) است، شیعیان حوائج خود را به آن حضرت عرضه می کنند و مشهور است که نذرها بر آورده می شود. مرحوم نوری صاحب کتاب مستدرک الوسائل اعتقاد فراوانی به زیارت ایشان داشته اند.

از عظمت ایشان همین بس که شیعیان گمان داشتند بعد از امام هادی (ع) سید محمد (ع) امام شیعیان خواهد بود ولیکن با مرگ ایشان در زمان حیات امام هادی (ع) امر بر مردم روشن گشت و به اشتباه خود پی بردند.

امام هادی (ع) بعد از رحلت سید محمد (ع) به امام عسکری (ع) فرمود:

يَا بُنَيَّ أَخِذْ لِلَّهِ شُكْرًا فَقَدْ أَخَذَتْ فِيكَ أَمْرًا.

فرزندم! شکر خدا را بجای آور که امر و حقیقت بر مردم روشن شد.

موضوع پیشنهادی:

۱- بیان فضیلت امامزادگان (حضرت عباس (ع)، حضرت سید محمد (ع)، حضرت زینب (س) و فاطمه معصومه (س) و غیره ...).

۲- با خیرات و باقیات صالحات می توان برای همیشه زنده بود.

۳- گاهی امام معصوم (ع) در عزای شیعه اش غمگین می شود (امام

ص: ۱۳۲

عسکری (ع) برای سید محمد و امام زمان (عج) برای شیخ مفید / و ...)

ص: ۱۳۳

بخش پنجم: پندها

ص: ۱۳۴

پندها

ای که داری به زبان رنجه روان دگران در امان نیستی از زخم زبان دگران
تا که از خون جگر قوت و غذایی داری چشم پرهیز نگهدار ز نان دگران
گر تو را نیست توانایی یاری به کسی سعی کن تا نشوی دشمن جان دگران
آبرو گر که نخواهی ز تو ریزد بر خاک تر مکن کام خود از آب روان دگران
عزت نفس به چنگ آر که خواری نکشی سبزی بی وعده مشو بر سر خوان دگران
گر نخواهی سخن زشت بگویند تو را از چه گویی سخن زشت به شأن دگران
گر نخواهی که برون راز تو از پرده فتد پس چرا فاش کنی راز نهان دگران
پند ثابت اگرت نیست قبول خاطر مکن از زخم زبان رنجه روان دگران

ص: ۱۳۶

هر چه از دامن ما کبر و ریا می‌ریزد باز رحمت ز خدا بر سر ما می‌ریزد
مهربانی بنگر، جرم هزاران بخشد چون یکی اشک شب از خوف خدا می‌ریزد
یک گنه کار پشیمان چون کند ناله شبی سیل رحمت به سراهل دعا می‌ریزد
با چنین دوست ندانم که بشر پیش بشر بهر نان آبروی خویش چرا می‌ریزد
خواجه در فکر زر انداختن و غافل از آن که فلک بر سر او خاک فنا می‌ریزد
به جز از کاخ محبت که نگردد ویران هر بنای دگری زود ز پا می‌ریزد

ص: ۱۳۷

ثابت از کلک تو بر صفحه و دفتر هر دم بهر ارباب هنر شهید وفا می‌ریزد

حاصل عمر ز خود بی خبران آه بود هر که از خویشتن آگاه شد آگاه بود

نتوان در حرم قدس به پرواز رسید پر سیمرخ در این راه پر گاه بود

پیش چشمی که به یکتایی آن سرو رسید طوق هر فاخته‌ای های هو الله بود

ای که کام دو جهان را ز خدا می‌طلبی هر دو موقوف بیک آه سحرگاه بود

غافل از مور مشو گرچه سلیمان باشی که زهر ذره به درگاه خدا راه بود

ص: ۱۳۸

از وصال رخ او بی‌ادبان محرومند گل این باغ به دستی است که کوتاه بود
می‌رسد جاذبه عشق به فریاد مرا یوسف آن نیست که پیوسته ته چاه بود
صائب از کشمکش رد و قبول آسودست هر که را روی دل از خلق به الله بود

ص: ۱۳۹

از ریاضت دل اگر آینه پرواز شود چون صدف مخزن چندین گهر راز شود
نبود سیرت شایسته خود آرایان را که برون ساز محال است درون ساز شود
مغتم دان دلت از عشق اگر گشت دو نیم کاین دری نیست بروی همه کس باز شود
بر گشاد دل ما دست ندارد تدبیر به دریدن مگر این نامه ز هم باز شود
دل ما نیست تنگ ظرف شکایت صائب صبح محشر سر این شیشه مگر باز شود

ص: ۱۴۰

در کوی عشق درد و بلا کم نمی‌شود از باغ خلد برگ و نوا کم نمی‌شود
موج از شکست روی نمی‌تابد از محیط اخلاص ما به جور و جفا کم نمی‌شود
تیغ شهادت ست دل گرم را علاج این تشنگی به آب بقا کم نمی‌شود
هر داغ حسرت تو کم از آفتاب نیست عمر شب فراق چرا کم نمی‌شود
نتوان ز طبع شعله برون کرد اشتها تا زنده است حرص گدا کم نمی‌شود
دندان ما ز خوردن نعمت تمام ریخت اندوه رزق از دل ما کم نمی‌شود
قاصد تسلی دل عاشق نمی‌دهد شوق حرم به قبله نما کم نمی‌شود
صائب هزار مرتبه کردیم امتحان درد سخن به هیچ دوا کم نمی‌شود

ص: ۱۴۱

ما را بس است سلسله جنبان اشاره‌ای کافی است بزم سوختگان را شراره‌ای
تا پای بر فلک نگذاری ز قهر خاک مویت اگر چو شیر شود شیرخواره‌ای
از هستی دو روزه به تنگند عارفان تو ساده لوح طالب عمری دوباره‌ای
یکبار نقش پای خود ای بی‌خبر ببین تا روشنت شود که چه مست گذارده‌ای؟
شرطست ریختن عرق سعی موج را هر چند بحر عشق ندارد کناره‌ای
صائب ز آفتاب رخ یارش -- رم کن از ره مرو به روشنی هر ستاره‌ای

ص: ۱۴۲

ارزش انسان ز علم و معرفت پیدا شود بی هنر گر دعوی بیجا کند رسوا شود
هر که بر مردان حق پیوست عنوانی گرفت قطره چون واصل به دریا می شود دریا شود
ای که بر ما می کنی از جامه نو افتخار افتخار آدمی کی جامه دیبا شود
قیمت گوهر شود پیدا بر گوهر شناس قدر ما در پای میزان عمل پیدا شود
آدمی هرگز نمی بیند ز سنگینی گزند از سبک مغزی بشر چون سنگ پیش پا شود
در مسیر زندگی هرگز نمی افتد به چاه با چراغ دین و دانش گر بشر بینا شود

ص: ۱۴۳

ما که در راه طلب دم از حقیقت می‌زنیم طعنه‌های مدعی کی سدّ راه ما شود
سر فرو می‌آورد هر شاخه از بارآوری می‌کند افتادگی انسان اگر دانا شود
چند روزی گر به کام مدعی گردد فلک غم مخور خسرو که روزی هم به کام ما شود

ص: ۱۴۴

همیشه قدرت و مکتب به جا نخواهد ماند مدام در کف زرگر طلا نخواهد ماند
غم زمانه مخور فکر توشه ره کن که جاودان احدی جز خدا نخواهد ماند
به چند روزه سختی بساز و صابر باش بشر همیشه دچار بلا نخواهد ماند
الا که صاحب سیم و زری به احسان کوش که غیر بخشش وجود و سخا نخواهد ماند
فقیر گوشه نشین با توانگری خوش گفت جهان همیشه به کام شما نخواهد ماند
کنون که چرخ به کام تو گشته، قدر بدان که آب جوی به یک آسیا نخواهد ماند

ص: ۱۴۵

هر آنچه می‌نگری در جهان شود فانی به غیر خوبی اهل وفا نخواهد ماند
دل کسی مشکن ای قوی به پنجه ظلم که این شکستن دل بی صدا نخواهد ماند
به غیر کار نکودر جهان مکن خسرو که کار خیر و نکو بی بها نخواهد ماند

ص: ۱۴۶

یا مشو راضی رود خاری به پای دیگری یا دمی اندیشه کن خود را به جای دیگری
تا به عمر خویشتن هرگز نبینی روی بد آنچه خواهی بهر خود خواه از برای دیگری
تا توانی از دعای خیر مردم لب مبند تا که حرز جان تو گردد دعای دیگری
گر زمن پرسی کدامین ره بود راه صواب گویمت رو چشم می پوش از خطای دیگری

ص: ۱۴۷

هر که بر آئینه بنماید جمال خویش را جز لقای خود نمی بیند لقای دیگری
هر که تب کرد از برایت از برای او بمیر ورنه بی حاصل مکن خود را فدای دیگری
امتیازی بایش از خلق در سیر و سلوک آنکه خود را می شمارد رهنمای دیگری

ص: ۱۴۸

عشق در راه طلب راهبر مردانست وقت مستی و طرب بال و پر مردانست
سفر آن نیست که از مصر به بغداد روی رفتن از جان سوی جانان سفر مردانست
ظفر آن نیست که در معرکه غالب گردی از سر خویش گذشتن ظفر مردانست
هنر آن نیست که در کسب فضایل کوشی به پر عشق پریدن هنر مردانست
همه دل‌هاست فسرده همه جان‌ها تیره گرم و افروخته آه سحر مردانست
چشمه کوثر و سر سبزی بستان بهشت خبری از اثر چشم تر مردانست

ص: ۱۴۹

گهر اشک ندامت به قیامت ریزد هر که در فکر شکست گهر مردانست
فیض اگر آب حیات از گهر نظم چکاند هم از آن روست که او خاک در مردانست

ص: ۱۵۰

هر کس که در او تربیت و فضل و ادب نیست در نزد خرد ارزش و مقدار ندارد
بر خلق خدا نخوت و کبر این همه مفروش کبر است متاعی که خریدار ندارد
دانی که خدا با که بود لطف نهانیش آن کس که کند بخشش و اظهار ندارد
با مردم بیگانه مگو راز دل خویش بیگانه دل راز نگه دار ندارد
دین است حصار تو و از دزد میاندیش آن خانه رود دزد که دیوار ندارد
طوطی به رسا رشک اگر برد عجب نیست طوطی که چنین طبع شکر بار ندارد

ص: ۱۵۱

خاطر افسرده‌ای را شاد کردن همت است ملک ویران گشته را آباد کردن همت است
خانه گل ساختن نبود هنر از بهر سود خانه دل از کرم بنیاد کردن همت است
صید مرغان حرم کردن ندارد افتخار طائری را از قفس آزاد کردن همت است
خُرده بر استاد بگرفتن ز شاگردان خطاست با ارادت خدمت استاد کردن همت است
نان بریدن شیوه مردان بالا طبع نیست کار بهر نوع خود ایجاد کردن همت است

ص: ۱۵۲

ای دل بگشا در ره دانش نظر خویش تا نشکنی از سنگ حوادث گهر خویش
انسانی و زیب سر تو تاج کرامت بگشا به خود از راه تحقق نظر خویش
هر خار که در ره گذر خلق گذاری هشدار که بینی همه در ره گذر خویش
دنیا چه بود مزرعه آخرت امروز کن کشت که فردا بری از کشته بر خویش
آن دست که دادی به پدر منتظرش باش گیری به همان دست ز دست پسر خویش
خواهی که ز تو پند پذیرد پسر تو ای دوست عمل ساز ز پند پدر خویش
دل سوختن خلق به هر کیش هنر نیست در خدمت مخلوق عیان کن هنر خویش

ص: ۱۵۳

پرهیز کن از خواب سحرگاه که هرگز سودی نبرد مرد ز خواب سحر خویش
ثابت بنما سعی که در کشمکش دهر شاید به نکویی بگذاری اثر خویش

ای دل به جهان در طلب راه یقین باش تا جان به بدن هست ترا پیرو دین باش
کن شمع ره خویش خرد را و پس آنگه با شادی و آسایش ایام، قرین باش
امروز در اندیشه فرداست خردمند ای مرد خردمند تو هم آتیه بین باش
خواهی که به پیری نشوی خوار و زمین گیر امروز جوان در غم فردای پسین باش
تعظیم مکن در بردونان ز پی نان خم دال صفت در بر خلاق مبین باش
بیهوده مریز آبروی خویش بر خلق رو غوطه ور اندر عرق بحر جبین باش
خواهی که خیانت نشود بر تو ز مخلوق زنهار خود از بهر امانات امین باش
گر شعر تو ثابت همه اندرز بود لیک در محفل اهل سخن از مستمعین باش

ص: ۱۵۴

باخته دلان است خدا لطف نهانیش شرط است که گاهی به دل خسته بخوانیش
ایدل دم عیسی به کف آور که مسیحا تأثیر نفس شد سبب عرش مکانیش
روشندل حکمت شود البته چو لقمان هر کس که به طاعت گذرد عمر و جوانیش
نورش همه جا گیر شود احمد و گیرم بوجهل شود منکر آئین جهانیش
ای دوست گواه است به تفسیر خذالعفو لطفی که علی داشته با دشمن جانیش

ص: ۱۵۵

بگذر ز دورویی و دو رنگی که شب و روز خورشید تفاوت نکند نور فشانش
شاید که کند برگ سلیمانی ما ساز موری که ز رحمت بنوایی برسانیش
تا کی گل بی خار نخواهی شد و تا چند زنبور صفت نوش تو آمیخته با نیش
بر عدل بنه پایه که از کاخ مدائن نه قدر بنا مانده و نه قدرت با نیش
آدم نشده چشم تو در خواب بهشت است شیطان ره آدم زده با چرب زبانش
درس طلب از ماه بیاموز که عمری ست سرگرم تکاپو شده با قد کمانش
تا لطمه چو ساحل نخوری درس تحرک از موج خروشنده فراگیر و روانیش
از گوهر ایمان رسد آن روز که چون قاف هر چند که جویند نیابند نشانش

زیر بار ظلم ضحاکان شدن دون همتی است پیروی از کاوه حداد کردن همت است

ص: ۱۵۶

بر فراز کاخ کسری این سخن بنوشته‌اند سلطنت با رسم عدل و داد کردن همت است
حاکم معزول را یاد از رفیقان فخر نیست روز قدرت از رفیقان یاد کردن همت است

نپردازی اگر از غیر جانان خانه دل را کجا از هم جدا بتوان نمودن حق و باطل را
نمی‌گرددی خدا بین لحظه‌ای تا خویشتن بینی بیا بردار از بین خدا و خویش حائل را
به باغ آرزو جز زخم خارش گل نمی‌چینی به وقت بذر کشتن فکر باید کرد حاصل را
بسی دریا دلان دلداده بر طوفان تقدیرش به خاطر اندر آن دریا نیاوردند ساحل را
کسی که وادی تسلیم می‌پوید ندارد فرق زساقی گر بگیرد شهد یا زهر هلاهل را
مذاق حق طلبها آشنا با تلخی صبر است که صابر می‌کند آسان برای خویش مشکل را
به زنجیر هوس تا کی مقید گشته‌ای ای دوست به خود آی و خدا را بگسل از پا این سلاسل را
تو را ثابت به نیکی می‌دهد اندرز و صد افسوس که خود از دیگران هم بیشتر گم کرده منزل را

ص: ۱۵۷

این که خاک میهنش بالین است اختر چرخ ادب پروین است
صاحب آینه گفتار امروز سائل فاتحه و یاسین است
دوستان به، که زوی یاد کنند دل بی دوست دلی غمگین است
خاک در دیده بسی جانفرساست سنگ بر سینه بسی سنگین است
بیند این بستر و عبرت گیرد هر که را چشم حقیقت بین است
هر که باشی و زهر جا برسی آخرین منزل هستی این است

ص: ۱۵۸

آدمی هر چه توانگر باشد چون بدین نقطه رسد مسکین است
اندر آنجا که قضا حمله کند جان تسلیم و ادب تمکین است
زادن و کشتن و پنهان کردن دهر را رسم و ره دیرین است
خرم آن کس که در این محنت گاه خاطری را سبب تسکین است
پروین اعتصامی

ص: ۱۵۹

هر که تا حدی به کار خود موفق بوده است خویش را عاقل‌ترین مردم گمان فرموده است
غره بر خویش است و می‌پندارد از زور غرور آنچه کرده واقعاً عین زرنگی بوده است
لیک در پیری چو نیکو بنگرد پی می‌برد کانچه در یک عمر کرده سر بسر بیهوده است
آنکه خود را عقل کل می‌خواند اندر زندگی چون سر آمد عمر می‌بیند چه احمق بوده است

دنیا مطلب تا همه دینت باشد دنیا طلبی نه آن نه اینت باشد
در روی زمین زیر زمین وار بزی تا زیر زمین روی زمینت باشد

ص: ۱۶۰

نردبان این جهان ما و منی است عاقبت این نردبان افتادنی است
لاجرم هر کس که بالاتر نشست استخوانش سخت تر خواهد شکست

افسوس که آنچه برده ام باختنی است بشناخته ها تمام نشاختنی است
برداشته ام هر آنچه باید بگذاشت بگذاشته ام هر آنچه برداشتنی است
پوش از چشم بد بین روی زیبا منظر خود را بهر بد گوهری نتوان نمودن گوهر خود را
به هر کس در سخن مگشال لب جان پرور خود را سخن گوهر بود بشناس قدر گوهر خود را

ص: ۱۶۱

هشدار که جز تو رهزنی نیست تو را جز نفس پلید دشمنی نیست تو را
این دم که در آنی به غنیمت میدار بگذشت و دگر آمدنی نیست تو را

ایمن ز ملال ساعتی خواهم و نیست از علم و عمل بضاعتی خواهم و نیست
بی فتنه روزگار و بی زحمت خلق روزی دو مجال طاعتی خواهم و نیست

ز فردا و ز دی کس را نشان نیست که آن رفت از میان و آن در میان نیست
یک امروز است ما را نقد ایام بر آن هم اعتمادی نیست تا شام

سخندان پرورده پیر کهن بیاندیشد آنگه بگوید سخن
مزن بی تأمل به گفتار دم نکو گوی اگر دیر گویی چه غم

ص: ۱۶۲

دلا غافل ز سبحانی چه حاصل اسیر نفس شیطانی چه حاصل
بود قدر تو افزون از ملائک تو قدر خود نمی دانی چه حاصل

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است راه رو گر صد هنر دارد توکل بایدش

در کش و قوس حوادث حکمارا مثلی است در جهان هر عملی موجب عکس العملی است

ص: ۱۶۳

تیر از کمان چون رفت نیاید به شست باز پس واجب است در همه کاری تأملی

فردوسی

ص: ۱۶۴

فهرست منابع

- ۱- الامام علی بن ابیطالب، رحمانی همدانی، احمد، مکتبه الصدوق تهران چاپ اول ۱۳۶۶ ه- ش
- ۲- الاحتجاج، الطبرسی ابی منصور احمد بن علی ابن ابیطالب (از علمای قرن ۶) نشر المرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ ه- ق.
- ۳- سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قمی شیخ عباس، مؤسسه به نشر (آستان قدس

ص: ۱۶۵

رضوی) مشهد مقدس چاپ اول ۱۴۲۰ هـ - ق

۴- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، دارالجل، بیروت چاپ اول ۱۴۰۷ هـ - ق

۵- فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، گروه حدیث دانشکده باقرالعلوم (ع)، ترجمه علی مؤیدی، نشر معروف، چاپ سوم ۱۳۸۵ هـ - ش

۶- کافی، اصول کافی، کلینی، انتشارات قائم، مترجم، چاپ دوم ۱۴۲۱ هـ - ق.

۷- مجموعه الاخبار، جلالی شاهرودی، کتابفروشی جعفری، مشهد مقدس ۱۳۹۴ هـ - ق.

۸- مصائب آل محمد (ص)، محمدی اشتهاودی، محمد، موسسه دارالکتاب (جزایری)، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ - ق.

۹- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، صافی لطف الله، موسسه سیده معصومه، چاپ دوم ۱۴۲۱ هـ - ق.

۱۰- الملهوف، (اللهوف) علی قتلی الطفوف، سیدبن طاووس، علی بن موسی (م ۶۶۴ هـ - ق)، دارالاسره للطباعه و النشر، چاپ اسوه،

اول ۱۴۱۴ هـ - ق

۱۱- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، محمدبن

ص: ۱۶۶

حسن، دارإحياء التراث العربی، بیروت، چاپ ششم ۱۴۱۲ هـ- ق.

۱۲- کتاب‌های مدح و مرثی‌های اهل بیت (ع):

دیوان جودی ای اشک‌ها بریزید و زمزمه‌های قلب من از حبیب چایچیان (حسان) گلاوژه ۲ گردآوری از محمد مطهر گلبن وفا از سیدهاشم وفایی و گلزار ثابت از مرحوم استادی (ثابت) و دیگر

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

